

اندرزهای حکیمونه فضولباشی

الهی نور بدنده قدیمها بیاره مثل اینکه اونا از حالایا بیشتر غفلتون میرسید میگفتن اگه آدم چیزی ندونه خیلی بهتره تا اینکه نیه کاره بدونه خدا یامرزه مولای رومی را که گفته :

علم ناقص را از من آموختی
خرمن هستی خود را سوختی
این بابا میخواد بگه اگه آدم چیزی را نیه کاره بدونه گذشته از اینکه بدرش نی خوره اسباب زحمت و دردسرش هم میشه و حتی ممکنه جوشش را هم در این راه از دست بده .

در این دوره که بچه ها اسمش را گذاشتن عصر اطوم و همه بفکر ترقی هستن ما هم واسه خودمون دار و دسه هائی درس کردیم و میخوایم کارهای قدیمیونو کنار گذاشته رسمهای تازه باب کنیم که زندگیمون با احتیاجات امروزه مطابق بشه و از باقی عقب نونیم . اما زیونم لال مثل اینکه کار دست اهلش نیست بیشتر این رسمها نیه کاره است و اکثرش اسباب زحمت و درد سره برای نمونه یکی از اونا را واسه تون میکم .

هر جوونی که بعد از زحمتهای زیاد بخیال خودش کاراشا راس و ریس کرده و میخواد بعد از هزار حسرت و آرزو زن بگیره اول چیزی که بهش پیشنهاد میکنن اینه که باید معاینه بشی زیرا بدون ورقه معاینه جناب ملا عقد نیکنن .

به به بسیار خوب واقعا چه پیشنهاد خوبی . این کار هم برای عروس خوبه وهم بئع داماده زیرا که عروس پیش از اینکه از سلامتی همسرش اطمینان داشته باشه بخونه اش نیره و اگر هم خدای نکرده چند روز دیرتر حامله شد مردم هزار وصله بداماد نیچسبونن . از اینها مهتر جوونا هم چون می بینن بالاخره گذار پوست بدباغخانه خواهد افتد کمی جلو خودشونو میگیرن .

اما طرز اجرای این کار باندازه ناشیونه و غلطیون ما رسم شده که نه فقط کوچکترین فایده ای نداره بلکه خیلی هم مضر و خطرناکه برای اینکه دست داماد را میگیرن و بیکراست می برش توی یک تجزیه خونه تجزیه چی هم کمی از خون و انداز او بر میداره و امتحان میکنه بعد از یکی دو روزهم نتیجه را میدن . اگه جواب مطابق میل بود که فوری ازدواج صورت میگیره اما اگر کمی مطابق میل نبود تکلیف داماد بدبخت معلومه .

هیچکس نیست باین مخلوق بگه آخه خدا پدر یامرزهها آگه کسی کوفت داشته باشه که امروز نکرفته لابد یکی دو ساله داره و در این مدت هم یقیناً فهمیده هر وقت یک دوره آمبول بزنه تادو سه ماه جواب خودش منفیه در این صورت وقتی تجزیه چی میگه این خون یا که از کجا معلوم تا شش ماه دیگه اثر دواها از توی خودش بیرون نره و دو مرتبه نایاک نباشه خلاصه اینکه هر وقت تجزیه چی میگه خون یک نفر یا که نباشه حتماً اطمینان داشت که او مبتلا بسیفلیس نیست برعکس هم همینطوره ممکنه اصلا کوفت نداشته باشه اما جواب تجزیه خون مثبت باشه .

گویا داشتن تب یا خوردن بعضی از دواها باعث میشه که خون آدم سالم مثل خون آدم سیفلیسی مثبت باشه . تازه اینها در صورتی است که ما اطمینان داشته باشیم تجزیه چی اشتباه نکرده اونهم خودتون بهتر میدونید اگر خون یک نفر را بده تا تجزیه خونه بدیم ده جور جواب میدن .

حتماً خواهید گفت پس چه باید کرد بقیه تو از معاینه داماد صرف نظر کنیم ؟ خیر ! صرف نظر نکنید بلکه از راهش وارد شوید یعنی اینکه جناب ملا بجای تقاضای معاینه خون و انداز تقاضای ورقه صحت مزاج و شایستگی برای ازدواج عروس و داماد با معاینه یک طبیب متخصص امراض مقاربتی طرف اطمینان بنماید برای اینکه طبیب به جواب تجزیه فقط قناعت نکرده بلکه هزار وسیله امتحان دردست دارد که یکی از آنها تجزیه خون است و از روی علم و یقین میتواند تکلیف را معلوم کند .

گذشته از اینها تنها داشتن کوفت و سوزاک شرط شایستگی برای ازدواج نیست بلکه ناخوشیهای دیگری هم هستند که اثرشان کمتر از آنها نباشند مثلاً اگر خدای نکرده داماد مبتلا برض سل و یا عروس دارای ناخوشی قلبی باشد که هر دو در نتیجه ازدواج در سالهای اول و دوم عروسی منتهی بمرک میشود که هزار درجه اهمیتشان بیشتر از کوفت و سوزاک است و فقط حکیم قابل است که به نکات دقیق این کار توجه دارد . مخلص همگی فضولباشی . این اندرزهای حکیمونه بقیه دارد .

سه شنبه ۲۰ آيار
بهاره ریال
قسمت
۳۶

عالم یهود

نشانی دفتر
تهران
خیابان سپه مقابل پستخانه
عنوان تلگرافی
«هاعولام»

هزاره های جهان

بشارت به دانش آموزان دبیرستان
خانمی خارجی که دیلمه اونورسپسته میباشد و استاد سابق دانشکده ترکیه بوده حاضر است با شرایط زیر مجاناً بدانش آموزان سیکل دوم متوسطه اسرائیل فرانسه یاموزد .
۱- آبونه بودن عالم یهود .
۲- سیردن تعهد برای ادامه تحصیل اقلای برای شش ماه .
۳- دارا بودن تصدیق سیکل اول متوسطه .
داوطلبان تقاضا نامه و تعهد نامه خود را بدفتر عالم یهود ارسال دارند .
۳-۲

اخطار بمشترکین عالم یهود
از مشترکین محترمی که تا بجال وجه اشتراك خود را نپرداخته اند خواهش میشود که آنرا بوسیله پست بیه به آدرس عالم یهود واقع در سرای خیام خیابان سپه روبروی پستخانه جنب مسافرخانه بغداد ارسال دارند .
۲-۲

آ تهی از طرف کانون خیر خواه
از اشخاصیکه برای ساختمان زایشگاه ندرنوده اند که مصالح ساختمانی تحویل نمایند خواهشمند است مصالح را هرچه زودتر در محل ساختمان تحویل فرمایند .
۲-۲

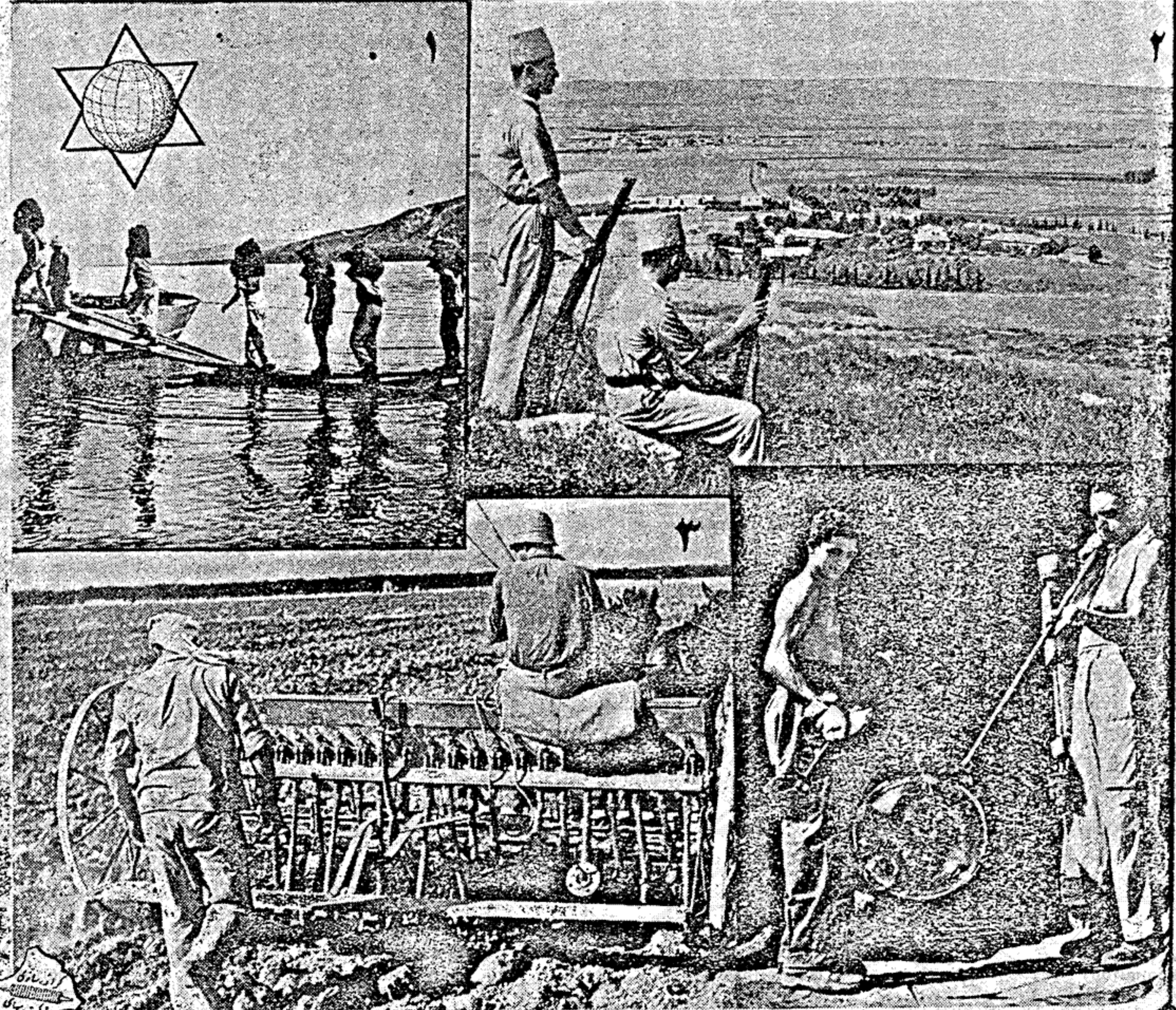
گراورسازی شرکت سهامی چاپ
در مدت سی ساعت بهترین گراور را تهیه کنید

تشکر از اهالی اصفهان
اینجناب از مهمان نواری اسرائیل های مقیم اصفهان بخصوص عالم روحانی اصفهان آقای اسحق ولد ملایقوتیل ربانی اظهار تشکر مینمایم .
یزدی

مترجم زبان عبری
برای ترجمه مطالب و مقالات عبری عالم یهود احتیاج ب مترجم داوطلب دارد از طالبین خواهش میشود روزهای دوشنبه و چهارشنبه و جمعه از ساعت ۵ ونیم بعد از ظهر بدفتر عالم یهود مراجعه نمایند .

شرکت سهامی چاپ

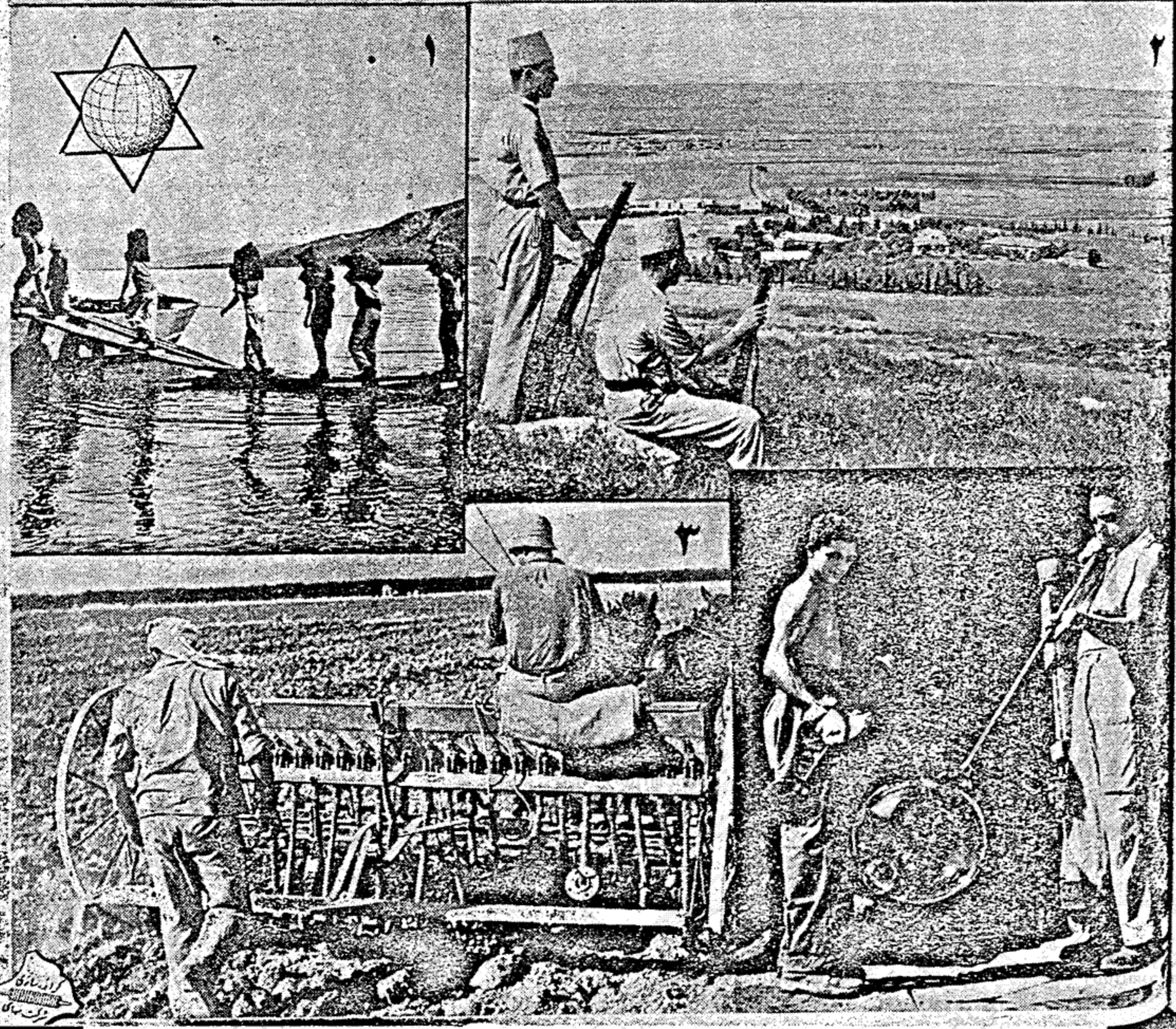
کارگران در ارض اسرائیل



عالم یهود

هزاره های حکیمونه فضولباشی

کارگران در ارض اسرائیل



بشارت به دانش آموزان

دیرستان
خانمی خارجی که دیله اونورسیت
میباشد و استاد سابق دانشکده ترکیه بوده
حاضر است با شرایط زیر مجاناً بدانش
آموزان سیکل دوم متوسطه اسرائیل فرانسه
یاموزد

- ۱- آونه بودن عالم یهود
- ۲- سیردن تعهد برای ادامه تحصیل
اقلا برای شش ماه
- ۳- دارا بودن تصدیق سیکل اول
متوسطه

داوطلبان تقاضا نامه و تعهد نامه خود
را بدفتر عالم یهود ارسال دارند

۳-۲

اخطار بمشترکین عالم یهود

از مشترکین محترمی که تا بحال
وجه اشتراك خودرا نپرداخته اند خواهش
میشود که آنرا بوسیله پست بیمه به آدرس
عالم یهود واقع در سرای خیام خیابان
سیه روبروی پستخانه جنب مسافرخانه بغداد
ارسال دارند

۲-۲

آتهی از طرف کانون خیر خواه

از اشخاصیکه برای ساختمان زایشگاه
نذر نموده اند که مصالح ساختمانی تحویل نمایند
خواهشمند است مصالح را هرچه زودتر در
محل ساختمان تحویل فرمایند

۲-۲

گراوسازی شرکت سهامی چاپ در مدت نیساعت بهترین گراو را تهیه کنید

تشکر از اهالی اصفهان

اینجانب از مهمان نوازی اسرائیل
های مقیم اصفهان بخصوص عالم روحانی
اصفهان آقای اسحق ولد ملایقوتیل ربانی
اظهار تشکر مینمایم

یزدی

مترجم زبان عبری

برای ترجمه مطالب و مقالات عبری عالم
یهود احتیاج بمترجم داوطلب دارد از طالبین
خواهش میشود روزهای دوشنبه و چهارشنبه
و جمعه از ساعت ۵ ونیم بعد از ظهر بدفتر
عالم یهود مراجعه نمایند

شرکت سهامی چاپ

اندرزهای حکیمونه فضولباشی

الهی نور بنده قدیمها پیاره مثل اینکه اونا از حالایا بیشتر غفلتون میرسید میگفتن اکه
آدم چیزی ندونه خلی بهتره تا اینکه نیه کاره بدونه خدا یامرزه مولای رومی را که گفته :
علم ناقص را ز من آموختی
خرمن هستی خود را سوختی
این بابا میخواد بگه اکه آدم چیزی را نیه کاره بدونه گذشته از اینکه بدرش نی خوره
اسباب زحمت و دردسرش هم میشه و حتی ممکنه جونش را هم در این راه از دست بده

در این دوره که بچه ها اسش را گذاشتن عصر اطوم و همه بفکر ترقی هستن ما هم
واسه خودمون دار ودسه هائی درس کردیم و میخواهیم کارهای قدیمونو کنار گذاشته رسمهای
تازه باب کنیم که زندگیمون با احتیاجات امروزه مطابق بشه واز باقا عقب نمونیم اما زبونم لال
مثل اینکه کار دست اهلس نیست بیشتراین رسمها نیه کاره است و اکثرش اسباب زحمت و درد
سره برای نمونه یکی از اونا را واسه تون میگویم

هر جوونی که بعد از زحمتهای زیاد بغیال خودش کاراشا راس و ریس کرده و میخواد
بعد از هزار حسرت و آرزو زن بگیره اول چیزی که بهش پیشنهاد میکنن اینه که باید معاینه بشی
زیرا بدون ورقه معاینه جناب ملا عقد نمیکنن

بهبه بسیار خوب واقماً چه پیشنهاد خوبی . این کار هم برای عروس خوبه وهم بفتح داماده
زیرا که عروس پیش از اینکه از سلامتی همسرش اطمینان داشته باشه بخونه اش نبره و اگر هم
خدای نکرده چند روز دیرتر حامله شد مردم هزار وصله بداماد نیچسبونن . از اینها مهمتر جوونا
هم چون می بینن بالاخره گذار پوست بدیاغخانه خواهد افزود کمی جلو خودشونو میگیرن

اما طرز اجرای این کار باندازه ناشیونه و غلطیون ما زسم شده که نه فقط کوچکتین
فایده ای نداره بلکه خیلی هم مضر و خطرناکه برای اینکه دست داماد را میگیرن ویکراست می برنش
توی یک تجزیه خونه تجزیه چی هم کمی از خون و ادرار او بر میداره و امتحان میکنه بعد
از یکی دو روزهم نتیجه رامیده . اکه جواب مطابق میل بود که قوری ازدواج صورت میگیره
اما اگر کمی مطابق میل نبود تکلیف داماد بدبخت معلومه

هیچکس نیست باین مخلوق بگه آخه خدا پدر یامرزه اکه کسی کوفت داشته باشه که امروز
نگرفته لابد یکی دو ساله داره و در این مدت هم یقیناً فهمیده هر وقت یک دوره آمبول بزنه تادو
سه ماه جواب خوش منیه در این صورت وقتی تجزیه چی میگه این خون یا که از کجا معلوم تا
شش ماه دیگه اثر دواها از توی خوش بیرون نره و دو مرتبه نایک نباشه خلاصه اینکه هر وقت
تجزیه چی میگه خون یک نفر یا که نیشه حتماً اطمینان داشت که او مبتلا بسفلیس نیست برعکس هم
همینطوره ممکنه اصلاً کوفت نداشته باشه اما جواب تجزیه خون مثبت باشه

گویا داشتن تب یا خوردن بعضی از دواها باعث میشه که خون آدم سالم مثل خون آدم سفلیسی
مثبت باشه . تازه اینها در صورتی است که ما اطمینان داشته باشیم تجزیه چی اشتباه نکرده اونهم خودتون
بهرتر میدونید اگر خون یک نفر راه ده تا تجزیه خونه بدیم ده جور جواب میدن

حتماً خواهید گفت پس چه باید کرد بقیهده تو از معاینه داماد صرف نظر کنیم ؟ خیر ! صرف
نظر نکنید بلکه از راهش وارد شوید یعنی اینکه جناب ملا بجای تقاضای معاینه خون وادار تقاضای
ورقه صحت مزاج وشایستگی برای ازدواج عروس و داماد با معضایک طیب متخصص امراض مقاربتی طرف
اطمینان بنماید برای اینکه طیب به جواب تجزیه فقط قناعت نکرده بلکه هزار وسیله امتحان دردست دارد
که یکی از آنها تجزیه خون است و از روی علم و یقین میتواند تکلیف را معلوم کند

گذشته از اینها تنها داشتن کوفت وسوزاک شرط شایستگی برای ازدواج نیست بلکه ناخوشیهای
دیگری هم هستند که اثرشان کتر از آنها نباشند مثلا اگر خدای نکرده داماد مبتلا بمرض سل ویا
عروس دارای ناخوشی قلبی باشد که هر دو در نتیجه ازدواج در سالهای اول و دوم عروسی متهمی بمرک
میشود که هزار درجه اهمیتشان بیشتر از کوفت وسوزاک است و فقط حکیم قابل است که به نکات دقیق این
کار توجه دارد . مخلص همگی فضولباشی . این اندرزهای حکیمونه بقیه دارد

تقویم هفتگی

۱۹۴۶ م	اردیبهشت ۱۳۲۵	۵۷۰۶
۲۱	۳۱	شنبه ۲۰
۲۲	خرداد	۲۱ « ۴
۲۳	۱	۲۲ « ۵
۲۴	۲	آدینه ۲۳
۲۵	۳	شنبه ۲۴
۲۶	۴	۲۵ « ۱
۲۷	۵	۲۶ « ۲

اردی بهشت

همانطور که ماه اردی بهشت در عالم طبیعت یکی از خوشبوترین و مفرحترین ماههای سال است، همانگونه رورنه فرجبخش فروزنده ای در عالم سیاست بین المللی ایران نمودار کرده است.

از جمله دول معظم آمریکا، شوروی، انگلیس در سیاست خود نسبت با ایران (بنظر ما) تجدید نظر نموده سفرای جوان جدیدی بپهن عزیز ما روان ساخته اند. امید است سفرای جدید که ما مقدمشانرا گرامی میشماریم در های سفارتخانه هایشان را بروی مردم سقله و سفیه بسته و خود بادیده باز جریان اوضاع را نظاره کنند، شاید روزنه امیدی که صلح گیتی کمک نماید پیدا شویم. عکسهای این صفحه بترتیب از بالا:

سفر کبیر آمریکا - سفر کبیر شوروی - سفر کبیر انگلیس هنگام شرفیابی برای تقدیم استوارنامه های خود دیده میشوند.

فهرست مندرجات

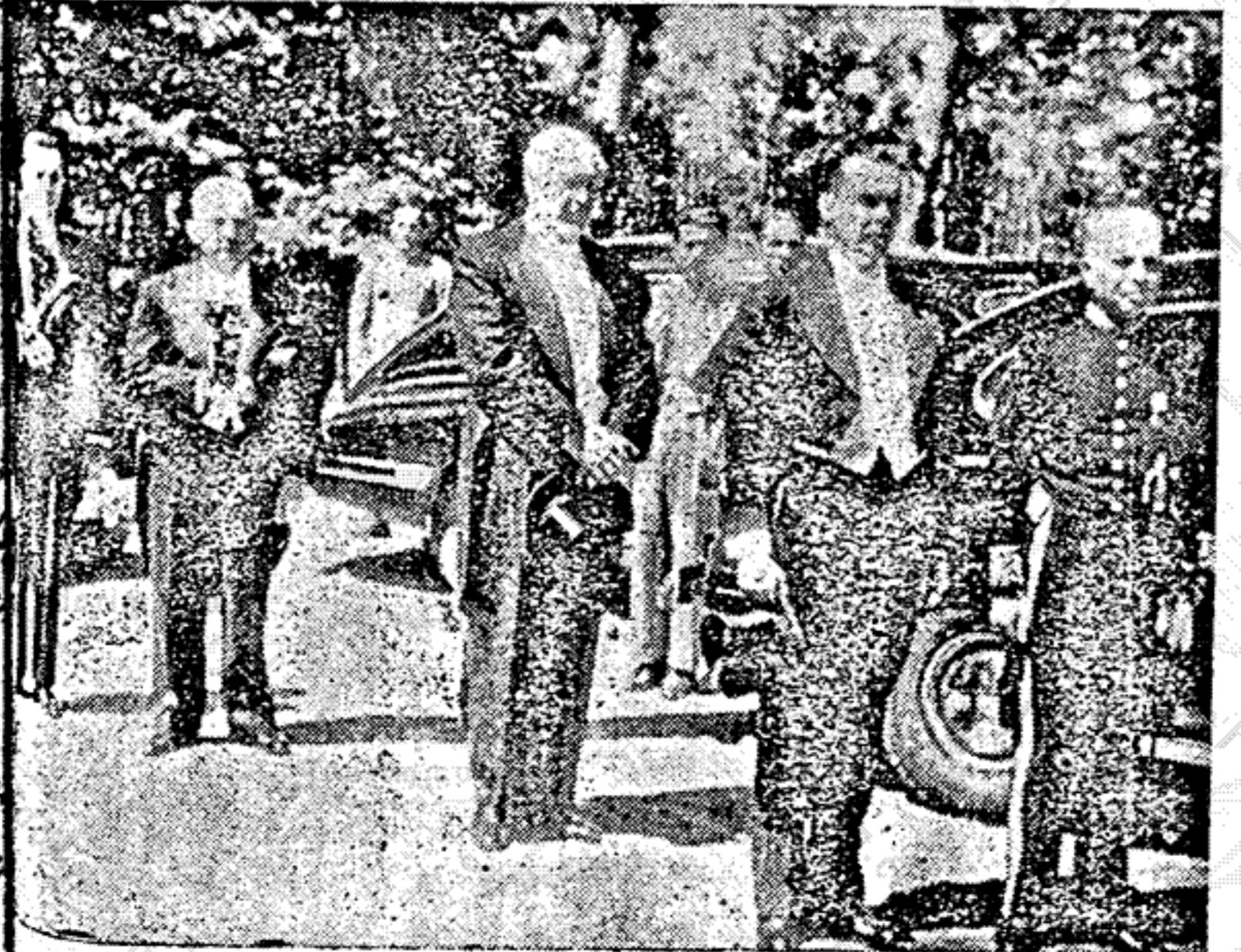
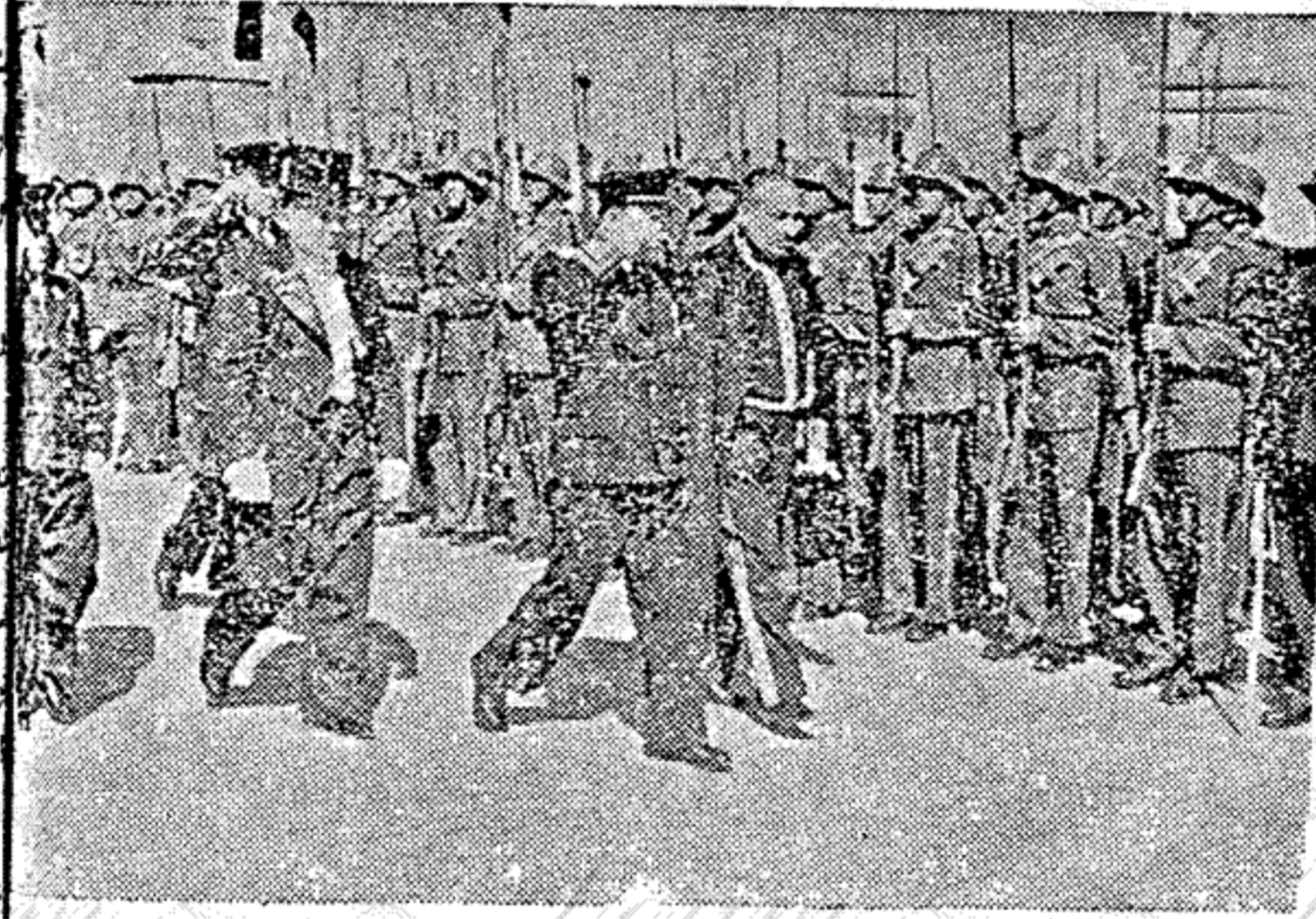
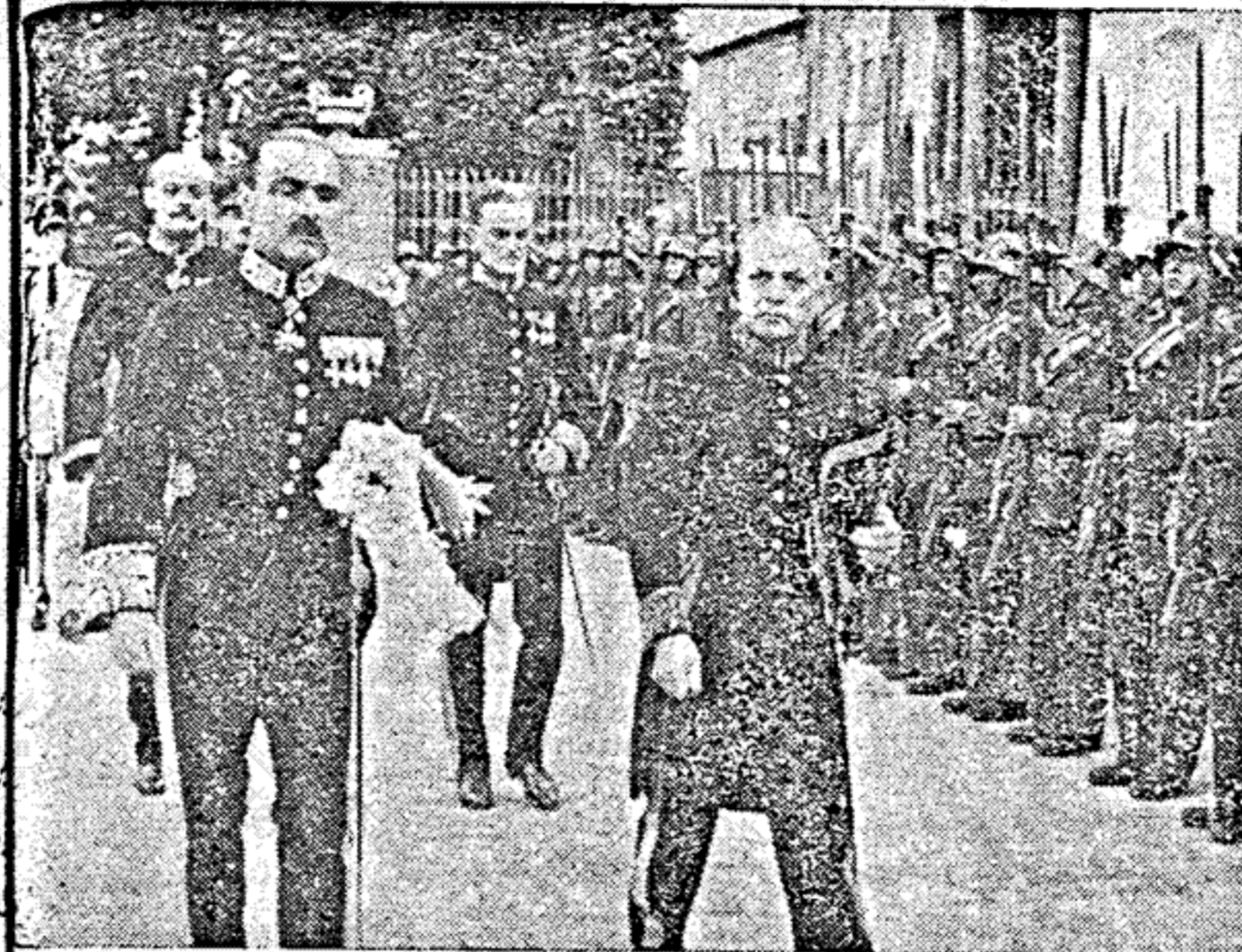
صفحه	عنوان
۵۹۵	بحث و انتقاد
۵۹۶	تاریخ یهود
۵۹۷	پترکایترا
۵۹۸	اخبار دنیای یهود
۵۹۹	« داخه
۶۰۰-۶۰۱	جزئیات سازمان صیونسم
۶۰۲	بدبختی دختر در جامعه - زن
۶۰۳	چندکلمه با هیت تحریریه
۶۰۴	فضولی هم منطق می خواهد
۶۰۵	جوابهای خصوصی
۶۰۶	مسابقه ها و جواب آن
۶۰۷	قصه کودکان
۶۰۸	؟!!!

عکس پشت جلد

- ۱- بارگیری مصالح ساختمانی در سواحل دریای گالبله ۲- ۳- عدالت اجتماعی و ملی بایکدیگر متحد میشوند که سرزمین اجدادی را آباد نمایند.
- ۴- طرز دمیدن در شیشه از صنایع مهمی است که در ارض اسرائیل سرعت ترقی میکند.

بحث و انتقاد

در اطراف وقایع ۲۷ فروردین مشهد



صفحات عالم یهود شاهد کمال صداقت و صمیمیت مانسبت برادران ایرانی است ما همیشه یهودیان را ایرانی دانسته ایم و ثابت کرده ایم که در اینت از سایر اقلیت ها استوارتر هستند و اگر ضمن وقوع حادثه ۲۷ فروردین ۲۵ مشهد مطالبی نوشته ایم عین حقیقت بوده و بسیار متفخر هستیم روزنامه ملی یومیه زندگی اولاً ببندرجات عالم یهود توجه نموده و با عین حقیقت را بقلم یک نفر مسافر در شماره ۲۱۹ درج کرده اند.

آقای حسین آموزگار شخصاً و برادر محترم ایشان و سایر خانواده ایشان همه اهل علم و ادب هستند و با فرهنگ این کشور بستگی نزدیک دارند جز حقیقت گوئی از ایشان انتظار نداشتیم و ایشان هم بوظیفه عمل کرده اند.

فقط یک تفاوت مختصر در مقدمه نامه یک نفر مسافر مندرجه در روزنامه زندگی در موضوع وقایع مشهد وجود دارد.

مسافر نامبرده در مقدمه مقاله خود طوری وانمود کرده اند که بنرجات عالم یهود را مبالغه آمیز دانسته و از این جهت رنجیده خاطر هستند در صورتیکه وقایع مشهد را که توضیح داده اند عیناً مطابق با شرحی است که ما در شماره ۳۴ عالم یهود نوشته ایم برای اینکه خوانندگان محترم بمانند موضوع را تطبیق نموده حقیقت را دریابند عیناً نوشته یک نفر مسافر از روزنامه زندگی اقتباس و ذیلاً درج میکنیم.

اگر یک نفر مسافر خراسانی وقوع این حادثه را با آنچه خودشان شنیده اند اعتراف داشته باشند باحق خواهند داد که از برادران مشهدی و کله مند باشیم امری که سبب شده است جمعی از علماء طراز اول و فرزندی از برادران مسلمان ما در مشهد قبول زحمت کرده تا صبح برای بگری از حوادث غیر مترقب پاسداری نمایند درحالی که مورد کمال تقدیر ما یهودیان ایران است دلیل کافی براهیت موضوع است.

حال اگر مسافر محترم وقایعی که تا این درجه اثر وضعی آن مرتب بوده کوچک می بندارند ما نیز متابعت کرده آنرا خیلی بیگ تر از آن میدانیم و نظر مسافر نامبرده را که نوشته اند خواسته ایم آن ملتی را آلوده کنیم بکلی تکذیب کرده و تکرار میکنیم که مردم ما از این تذکرها جلوگیری از تکرار این وقایع است و آرزو مندیم اگر چنین وقایعی تکرار نشود تا جامعه یهود بتواند با فراغت خاطر در امرت امور مربوط بپهن باعلاقه و امیدواری بیشتر خدمت نماید.

روزنامه زندگی بعد از مقدمه چنین مینویسد: این کلمات و عبارات زننده و این بیانات دور از مودت و صمیمیت و بی تأسف است و من چون خودم حاضر و ناظر قضیه بودم بر من آزار است که چگونه با این مقله کارها میخواهند تقضهائی را ایجاد کنند اصل این موضوع این بوده است.

بدواً باید تصدیق کرد که در هر ملتی و در هر جمعیتی و در هر انقلابی اشخاص نادان افراد مفرض و نفرات مفسده جوئی هستند که نمیتوان افعال و اعمال آنها را ملاک کلی قرارداد و از عمل آنها دامن يك ملتی را آلوده نمایند.

بطوریکه عرض شد بر اثر نزاع و دوطرف قضیه بزد و خورد بزرگتری منجر شد که فقط ناشی از نادانی دوسه نفریش نبود و بالاخره قضیه بهیاهو و جنجال بیشتری کشید و بدیهی است که چند نفر از طرفین مختصر ضرب و شتمی دیدند و کشیدند و حتی یکمده از یهودی های نادان هم دست جمعی چند نفر از مسلمانان را گیر آورده و بیادکتک بستند و بالاخره همین عمل مسبب شد که روز بعد ازدحام زیادی شده و برای انتقام بطرف محله یهودها رهسپار شدند و قضیه فوری با آقایان علماء اطلاع و سه چهار نفر از بزرگان علماء جلوی جمعیت را گرفته و آنها را بنصیحت و موعظه آرام کرده و مردم متفرق شدند و برای اینکه عمل تجدید نشود از طرفین صلح جو و جمعی از جامعه خراسانی ها حاضر شدند که در تمام کوچه ها و منازل یهودها پست بدهند و حتی شب را تا صبح با چراغهای طوری سر پستها بوده و از مردمان ناشناس در عبور و مرور جلوگیری کرده و نفرات یهودها را درب منزل آنها سلامت رسانیده و با کمال محبت تشریک مساعی باقوای نظامی بعمل آوردند و باین نحوه عمل خاتمه یافته.

حالا اگر بخواهند قضیه را طور دیگری جلوه داده و روابط خراسانی هارا با برادران یهودی روی این قبیل انتشارات تیره نموده و نسبت وحشیکری و نهب و غارت بدهند جای خیلی بی انصافی است مخصوصاً اگر از چند نفر یهودی ماجراجو صرف نظر شود بقیه عموماً مردمان سالم اشخاص بصیر افراد دانائی هستند که همه راضی و با کمال خوشبینی معامله و ارتباط و شناسائی با آنها دارند.

خلاصه بقدری در اطراف موضوع با آقای پیروزیان مذاکره کردیم که وقت گذشت و حرف های شخصی بکلی از بین رفت و بوقت دیگری موکول گردید و ایشان اظهار داشتند که خوبست اطلاعات خود را بنویسی و یکی از جراید منتشر کنی تا حقیقت روشن شده و عموماً بدانند که بروز این قضیه بدون سابقه و بدون هیچگونه نظری بوده است و تنها ناشی از نادانی چند نفری بوده است و لهذا حقیقت امر بطوری بود که عرض شد و البته اگر جلوگیری نیشد و مجاهدت یکدسته از مردمان خیرخواه و جدیت افراد و صاحبمنصبان متین شهربانی نبود شاید قضیه بجاهای مشکلتر و منجر بفساد بیشتری میگردد.

« یکنفر مسافر »

تاریخ مختصر یهود

« در شماره گذشته در ستون »
 « دوم این بخش اشتباهی رخ »
 « داده که با معنرت از »
 « خوانندگان تصحیح آن »
 « مبادرت میشود : »
 « پس از سطر هشتم »
 « مطلب بقیه ستون غلط میباشد و دنباله آن از اینجا آغاز میگردد . »

دوام یهودا

آغاز سلطنت یهودا یا کردن گرفتن غل بندگی آشور و کسب تمدن یگانه کشور خود را از ویرانی و خرابی بدست آشوری ها نجات داد .

در یهودا هم چنانکه گفته شد تغییرات عمومی و اجتماعی تا مطلوب بین طبقات ظاهر شد . تفاوت طرز زندگی بین ثروتمندان و فقرا زیاد شده و همان عاملی که باعث شکستگی روح ملت در قلمرو افرائیم موجود بود اینجا هم ظاهر شد و بیغیرانهم در اثر این اوضاع شکست اجتماعی و ملی یهودا را پیش بینی میکردند و چون آواز تمدن و طرز زندگی و قوانین و حتی مذهب آشور را در یهودا ترویج می نمود آنرا ساخت تحریک کرده بر ضد این تغییرات مبارزه بپردازند . بیغیر بزرگ آترمان « یسایا هوبن عاموس » که از بزرگتر ادگان اورشلیم بود با سخنان مهیج و کلمات مؤثر بچند ترویج قوانین و قواعد یگانه و عدم اجرای قوانین کتاب مقدس را بدون ترس از شاه سخت تقیح نموده چنین نبوت میکرد .

« اورشلیم شهر امین و معتبر چگونه از راه حقیقت دور شد . »
 « از قضاوت بر بود و عدالت بر آن حکم فرمائی میکرد ولی اکنون »
 « رؤساء و سرکردگان آن قاتل و کج رفتار و رفیق دزدانند - همگی »
 « رشوه گیر و دوستدار پول اند . بیما نرا قضاوت نمیکندند و دعوی پیره »
 « زنانرا نمی پذیرند . . . می آید در معبد مقدس که مرا نگاه کنید »
 « چه کسی از دست شما قربانی قبول میکند ؟ و نیز هر چه که دعا »
 « بخوانید و عبادت کنید من نخواهم شنید زیرا دستهای شما پر از »
 « خون است ! خود را بشوئید و میرا کنید - اعمال کج و شیطنت »
 « آمیز را از خود دور سازید ، بدکاری را ترک کرده خوبی بیاموزید »
 « و قضاوت و عدالت طلب نمائید . ستگرا نرا شایسته کنید ؛ بیما ن »
 « را قضاوت نموده بدعوی یوه زنان رسیدگی نائید . »

« نبوت صیون » یا دوشیزگان بروشالائیم که دائماً در بی تکبیل وسائل راحتی و البسه رنگارنگ و زینابودند تابعطرها و روغنهای خوش بودر کوجه های اورشلیم گردش کنند و ابدأ بفکر تفریح و ایچارگانیکه نان برای خوردن و لباس برای پوشیدن نداشتند نبودند شدیداً مورد ملامت بیغیر قرار گرفتند .

و اما بعد از آواز پسرش « حزقیاو » بتخت سلطنت رسید ولی این پادشاه تصمیم گرفت که امور کشور و سلطنت را مطابق قوانین تورا و قواعد عدالت اداره کند از اینجهت معابد و مساجد را از وجود بتها و تشریفات آنها پاک و تصفیه نمود و مراسم عبادت و پرستش خداوند را در معبد مقدس اورشلیم بر قرار ساخت و در آن با شرکت عده زیادی از افراد اسرائیل که از یهودا و افرائیم یاده بدانجا

می آمدند مراسم اعیاد بزرگ از جمله عید یسحرا بجا می آورد . حزقیاو فقط يك فكر داشت و آنهم اینکه ملت خود را چگونه از زیر غل بندگی آشور که بدست پدرش بگردن ملت نهاده شده بود رها سازد . در این ایام نوبت سلطنت در آشور به « سناخریب » (سنخریب) پادشاه جنگجو و مشهور آشور رسیده بود که میخواست تمام ممالک واقع میان بین النهرین و دریای مدیترانه را بتصرف آورد اینجا هم طبقاً سیاست عمومی دولتهای بزرگ وارد عرصه جهان آروز میشد حزقیا با دولت مصر قرارداد اتحادی می بندد که ویرا در جنگ بر طرف سناخریب کمک نماید و بلافاصله بتقوت حصار و برج و باروهای اورشلیم و دیگر شهرها می پردازد و وسایل دفاع آنها را فراهم میکند . سناخریب هم که عازم جنگ بامصر بود بعد از شنیدن این موضوع نایبندگانی نزد حزقیاو میفرستد تا او را بر قدرت تعرضی خود واقف ساخته و به اطاعت دعوتش کنند و چون حزقیاو جواب موافقی نداد با سیاه جرابی که بمنظور جنگ بر علیه مصر تهیه کرده بود برای اسیر نمودن ساکنین یهودا مانند ساکنین افرائیم بجانب اورشلیم پیش تاخت .

در این موقع ترس بر حزقیاو مستولی شده بمعبد خدا برای دیدار یسایا هوبن بیغیر رفت تا با او مشورت کند و شاید بکمک خداوند از شر دشمن رهایی یابد . یسایا هوبن بکمک خداوند امیدوار و مطمئن ساخت . در کتابت یسعیای نبی چنین مسطور است که « در شب جنگ ، فرشته خداوند بر سایه های آشور عبور نمود و بکشد و هشتاد و پنج هزار نفر از سایه های اردوگاه آشور را بکشت و همینکه صبح بر خاستند جملگی سیاه را کشته یافتند » و بقراریکه در کتب تاریخ مذکور است این عمل در اثر بروز وبای عظیمی بوده که یکمرتبه در میان اردوگاه آشور ظاهر شد و سناخریب را مجبور نمود که بجانب بابل بازگشت نماید .

حزقیا هو را در امور مملکت و مردم دارای بیغیرانی چون یسایا هوبن عاموس و « میخا » کمک مینمودند . یسایا هوبن سهم بزرگی در امور اجتماعی و سیاست مملکت در این سلطنت آواز و حزقیاو دارا بود بدین ترتیب که با اولی دائماً مخالفت مینمود و پادشاه دوم را تقویت میکرد و چون بزندگانی آتیه ملت خود علاقمند بود افکار خود را به آنسوی متوجه کرده و چنین نبوت مینمود که « روزی خواهد رسید که دیگر ظالم و مظلومی وجود نخواهد داشت جنگ از میان عالم رخت بر خواهد بست و قومی بر قوم دیگر شمشیر نخواهد کشید و فنون جنگ آزمائی دیگر آموخته نخواهد شد . صلح و صفای فاتحانه بر عالم حکمفرمائی خواهد کرد . تمام ملل به یروشالائیم برای درخواست کردن از خداوند حقیقت و عدالت خواهند آمد زیرا که از صیون قانون خارج میشود و کلام خداوند از اورشلیم جاری میگردد . »

« در آن ایام طبیعت نیز در صلح و صفا خواهد بود و گرسنگی بابره مسکن میگردد و انمی بازغاله می آساید و زمین از علم و حکمت پر خواهد شد مانند دریا که از آب پر است . »

میخا بیغیر نیز نظیر یسایا هوبن در باره روزهای آخر نبوت کرده و با کلمات مختصر مردم را به رعایت عدالت و احسان و خدا پرستی دعوت مینمود .



زنگار یهود

اقتباس و نگارش
 پتر کاپیتزا
 همدان . ی . دانش



هنگامیکه (انیشتن) (و لیزه ماین هر) و فیزیکدانهای دیگر یهود در اختراع بمب اتمی رل بزرگی را بازی میکردند بکنفر یهودی نیز در روسیه بتحقیقات خود درباره قدرت اتم ادامه میداد . این مرد پتر کاپیتزا فیزیکدان شهیر روسیه میباشد که امروز همه زمامداران بسوی او چشم دوخته اند و بیشتر دانشمندان عقیده دارند که بسبب اتم را برای دولت شوروی خواهد ساخت .

کاپیتزا در ۷ ژوئن ۱۸۹۴ در کرنشتاد از ایالات شمال غربی روسیه از خانواده یهودی بدنیآ آمد . مدتتها بتحصیل رشته ریاضی و فیزیک پرداخت و قریحه خود را در تحقیقات قدرت اتم بکار انداخت . کاپیتزا میخواست اتم را تحت تأثیر جریان های متناوب بسیار قوی قرار داده و از اینراه اتم تسلط یابد چون انقلاب اکتبر شروع شد کاپیتزا نیز روسیه را ترک گفت و چند زمانی در ممالک مختلف بسر میبرد تا سرانجام بانگلستان رفت .

در این موقع « روتر فوردر » فیزیکدان شهیر انگلیسی و برنده جایزه « نوبل » عده زیادی از دانشمندان را بدور خود جمع کرده و باهم تحقیقاتی برای شکافتن اتم مینمودند . کاپیتزا هم در سال ۱۹۲۴ باین دسته ملحق گردید .

پس از چندی طرح خود را با « روتر فوردر » در میان نهاد . دانشمند اخیر نیز طرح ویرا پسندید و نخست شغلی در « کاوندیش لابراتوار کمبریج » که خود ریاست آنرا داشت باو داد ولی طرح کاپیتزا بهزینه و لوازم زیادی احتیاج داشت از اینجهت با ایجاد يك آزمایشگاه دیگری پرداختند که شعبه « کاوندیش لابراتوار کمبریج » بشمار میرفت و کاپیتزا بر ریاست آن نائل گردید ، (رکفر) میلیارد در مشهور هم تمهد نمود که هزینه آن را شخصاً بپردازد .

بکمک سرمایه رکفر توانست مقناطیس برقی عجیب و دستگاههای بزرگی برای تولید جریانهای متناسب اختراع نماید . این دستگاهها دارای قدرت شگرفی بودند بطوریکه سیمهای آنها آب شدند .

کاپیتزا مدت ۱۰ سال بتحقیقات خود ادامه داده و در گنجره های علمی جهان شرکت کرد و بوسیله ديك بخار درجه

حرارت را تا يك میلیون رسانید . در نتیجه روز بروز بر شهرت وی اضافه شد و موفق باخذ جوایزی از دولتهای انگلیس و امریکا و روسیه گردید . چنانکه دولت امریکا جائزه « فرانکلین » و انگلستان جائزه « فارادی » را باو داد و بعلاوه در سال ۱۹۲۹ نیز عضو رابط آکادمی علوم شوروی شناخته شد .

دولت شوروی چندبار از کاپیتزا خواهش کرد که بروسیه بیاید ولی او که تا اندازه ای در کارهای خود موفق گردیده و میخواست آنرا انجام دهد تقاضای آنها را نپذیرفت . در سال ۱۹۳۴ دولت شوروی يك بنگاه علوم فیزیک در مسکو دایر کرد که سرو صدای زیادی در مجامع علمی اروپا نمود . زمامداران شوروی هیچکس را بهتر از کاپیتزا برای ریاست آن نیافتند ولی چون کاپیتزا در انگلستان بود کرسی ریاست خالی ماند تا آنکه در سال ۱۹۳۵ بمسکو بازگشت و با سرعت هر چه تمام تری دانشمندان شوروی را جمع کرده و در آنجا هم بتحقیقات در شکافتن اتم ادامه داد و در مدت کمی روسیه را که از لحاظ علم فیزیک بسیار عقب مانده بود پای دول بزرگ رسانیده و بکمک « پاولو » و « اسکوبلین » و سایر دانشمندان روسیه دستگاههای بزرگی ساخت که برای شکافتن اتم بسیار مؤثر بودند

تا کنون بواسطه تحقیقات و اختراعات زیادش بافتخارات عظیمی نائل شده و بدرجه دکترای افتخاری دانشگاه پاریس نائل گردیده است . در اول ژانویه ۱۹۴۶ نیز لقب قهرمان کار سوسیالیستی را گرفت . بکبار بواسطه بدست آوردن هوا و اکسیژن مایع و بار دیگر بواسطه مطالعات درباره هلیوم و کشف میمان فوق العاده هلیوم مایع بدریافت جائزه استالین موفق گردید .

بطوریکه شایع است قوای ژنرال « ژوکف » در جزیره « برنهم » به آزمایشگاههای دست نخورده آلمان که تحقیقات اتم در آنجا انجام میافت دست پیدا کرده اند و در دوره جنگ نیز در جنوب قفقاز مراکزی برای تحقیقات درباره بمب اتمی ایجاد شده و شورویها نیز شهری بنام « اتم گراد » در اورال ساخته اند که چندین هزار کارگر در آنجا کار میکنند تمام اینکارها بدست فیزیکدان شهیر یهود ، با استاد سابق « کاوندیش

بقیه در صفحه ۶۰۴

از پالکور

نیورک - (فرانسیس مثر) - (اوون بریوستر) و (وارن ماکنوسن) اعضای مجلس سنا انتقادات سختی نسبت بواقفت بین مستر بوین و امیر عبداللہ راجع بقانون جدید ماوراء اردن نموده اند. بعقیده ایشان موافقت مورد بحث عبارت است از تجاوزی نسبت بقرارات عهدنامه بین انگلیس و امریکا که در سال ۱۹۲۴ راجع بفرمانت بامضاء رسیده است. ضمناً نامبردگان متذکر شدند که انگلستان حق نداشته سطح سرزمینی را که طبق مواد قیومیت برای مهاجرت اسرائیل تخصیص داده شده بیل خود تغییر دهد و چیزی از آن بکاهد.



مدهسוכנות היהודית בטהראן מוסרים לנו חדשות אלה:

فلسطين
خبر میدهد.

موتویدو - انجمن مسیحیان طرفند
فلسطين نامه ای بوزارت خارجه اوروگوا نوشته و ضمن آن تقاضا کرده که دولت متبوعه از قضیه مدعای یهودیانرا نسبت بارس اسرائیل در سازمان ملل متفق مطرح نماید.
(عالم یهود - مابین نامه انجمن مزبور را در شماره های آینده بنظر خوانندگان خواهیم رساند)

ابلاغیه تشکيلات کل صیونیت به یهودیان جهان برای تشکیل کنگره صیونیت

تلاویو - پس از دوران موحش خونین امسال برای اولین مرتبه بیست دومین کنگره صیونیت جهان بعد از هفت سال وقفه، آماده تشکیل است. وظیفه نهضت صیونیت در زمان جنگ و قتل عام ها این بود که هدف و مرام خود را ناجی و خلاص کننده ملت اسرائیل بدارند. جنبش صیونیت است که پناهگاه مطمئن و تنها مامن حقیقی را آید ساخت و اکنون آن سرزمین حاضر است کلیه برکنندگان اسرائیل جمع شد و به میهن اصلی خود بیایند و از ویرانه کی آنرا نجات داده و خود نیز از نگر گالوت خلاص گردند.

ما امیدوار بودیم باغلبه و پیروزی بزرگترین دشمن قوم یهود در مقابل این زحمات طاقت فرسا و خدمات صادقانه ملت اسرائیل در راه حصول پیروزی، بزرگان عالم با صداقت یاداش ما را بدهند، اما آن انتظار هنوز برآورده نشده دروازه های فلسطين بروی ملت ما بسته است. اما کشور ما هنوز باین سیاست خائنه کتاب سفید است و خرید آزادانه آن برای ما مقدور نیست، بجای مراجعت بصیون و افتخار و قیام و بنای خانگی میخوانند حکم در بدری و تحلیل و نابودی برای ما صادر کنند. آنانی را که از بهترین ملل عالم می بنداشتم در اندیشه آند رو یای صیونیت را که آخرین امید ملت یهود است نابود کنند.

در مقابل این مناقشات ملت یهود بیشتر مقاومت میکند. در این کشکش ها یهودیان ارض اسرائیل پیش قدم میباشند. از تمام نقاط گالون فریاد مهاجرت برپا است. کسانی که از گتوها (محله) خلاص شده اند، باقی ماندگان قتل عامها، جنگجویان و پیشقدمان، که مطمئن بودند بعد از جنگ آزادانه بکشور خود بازگشت خواهند نمود چون از این آزادی مأیوس شده ناچار راههای دیگر متوسل شده و بهر طریقی که باشد خود را بساحل ایه یعنی ارض اسرائیل میرسانند، نهضت صیونیت برای تشکیل کشور یهودی که آرزوی دیرینه ملت یهود است امروز وارد يك مبارزه عظیمی شده است.

برادران، یهودیان! برای شرکت در این مبارزه خود را آماده سازید. بیست و دومین کنگره صیونیت اراده خلل ناپذیر خود را در راه استقلال و زندگی آزادانه و جاویدان ملت اسرائیل در میهن اصلی خود بدینا اعلام خواهد نمود؛ این کنگره نیروهای مادی و معنوی ملت اسرائیل را برای مبارزه بزرگی تمرکز خواهد داد، این کنگره راههای مبارزه بقیه در صفحه ۱۰۴

مجلسی تذکر

تهران - بناسبت سال در گذشت مرحوم دکتر سیر و مرحوم یردی و یعقوبیان مجلس تذکری از طرف کانون جوانان در روز شنبه ۱۰ ايار مصادف با ۲۱ اردیبهشت در کنیسا ختیم بر قرار گردید و آقایان امیدوار و کرمانشاهی و یعقوب ملامد هر يك بنوبه خود در اطراف سجایای اخلاقی و خدماتیکه نامبردگان بجایمانه نموده اند نطق هائی نمودند مجلس تا شب ادامه داشت و باخواندن نماز جماعت و دعای خیر برای ارواح گذشتگان خاتمه یافت.

تأسیس کلاسهای عبری دخترانه

تهران - باشگاه خواهران بنظور ترویج زبان منمعی عبری کلاسهای در دبیرستان کورش برای بانوان و دوشیزگان تأسیس و شروع به تدریس نموده اند از کلیه بانوان علاقه مند دعوت میشود که بعد از ظهرها برای فرا گرفتن این زبان مراجعه نمایند.
عالم یهود - زحمات باشگاه خواهران قابل تقدیر است.

تلگراف از گلیایگان

انجمن کلیبان رونوشت کانون درمانگاه همگانی رونوشت عالم - یهودی رونوشت شایسته کون صدق رونوشت اسرائیل مدنی است تب راجعه در میان توده اسرائیل گلیایگان طغیان نموده بطور رقت آوری شدت درخواست آمدن ابراهیمیان پزشک برای کک دکتر هارون صدنفر از توده فقرا بستری ۵۰ نفر ناقهین در صورتیکه دارو نرسد تلفات زیاد دکتر هارون شبانه روز مشغول پذیرائی مرضی تقاضای ارسال فوری داروی لازمه را داریم از طرف انجمن کلیبان دکتر هارون آقایان حاخام نورالله کاهن نورالله کسائی

تهران - طبق تقاضای کمکی که از اسرائیلیهای گلیایگان شده یهودی تذکری که از طرف عالم یهود داده شده بود کانون خیر خواه و مقدار صد سری تومار ارسان ۳۰ و ۴۰ و ۶۰ جعبه کامفر ۳۰ و ۲۰ و پانزده شیشه استوارسول ۱۰ و ۲۰ ساتی به کلیان فرستادند.

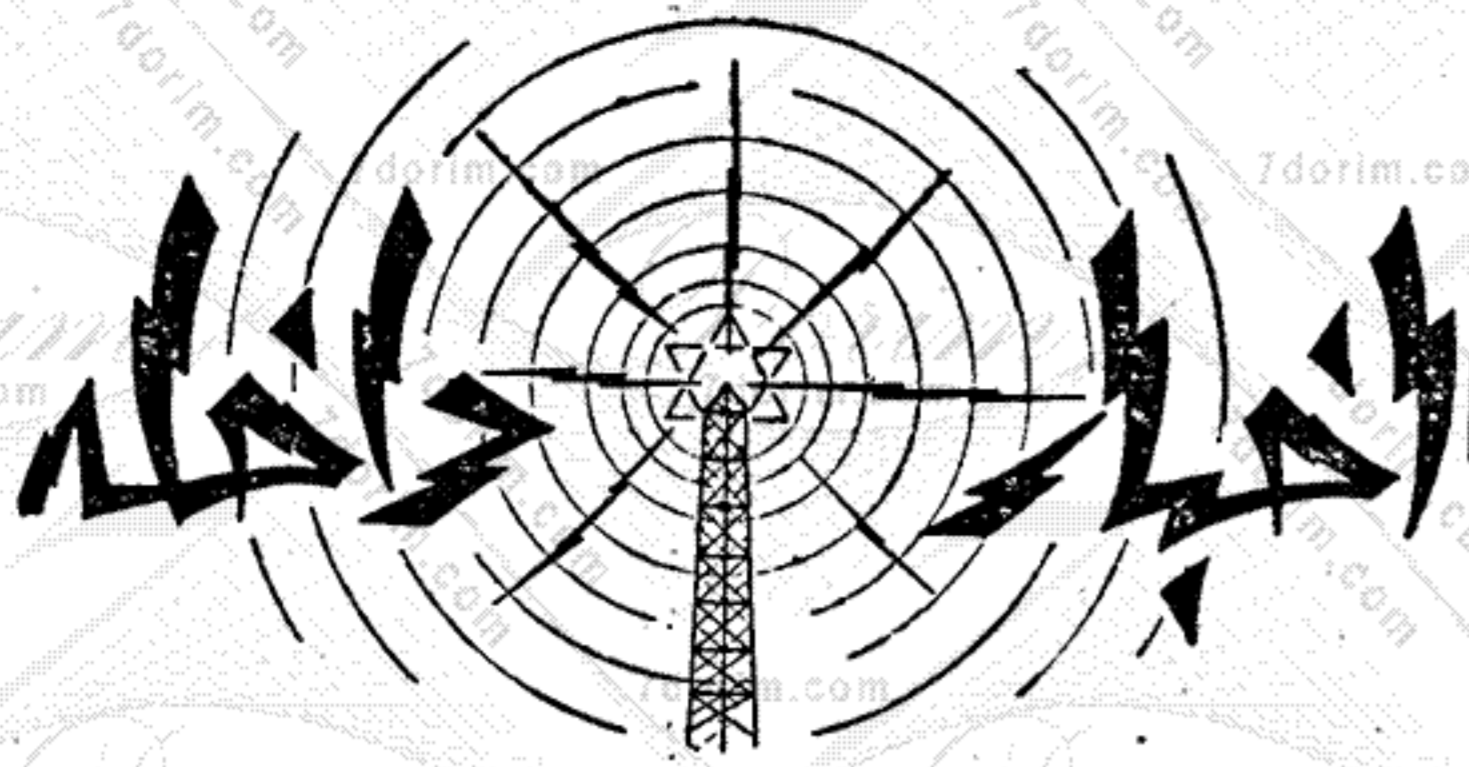
بقیه از صفحه ۹۸ اخبار خارجه

وعمران را نشان خواهد داد، این کنگره وحدت ملی اسرائیل را برای نجات قوم یهود برقرار خواهد ساخت.

همکیشان! در این مبارزه ملی صبیانه دست اتفاق بیکدیگر دهید اعلامیه دروغی را که میکوبد، صیونیت از طرف توده ملت اسرائیل نیست تکذیب کنید و بدینا نشان دهید که انتظار اکثریت قوم یهود بسوی صیون نگران است.

برای شرکت در این کنگره که یکی از مهمترین کنگره ها است خود را حاضر کنید - شقل (اوراق عضویت برای انتخابات کنگره) را خریداری نمایند - نسان ۰۷۰۶ هیئت مدیره سازمان کل صیونیت

اداره نمایندگی یهودیان فلسطين



کنفرانس بهداشتی

اراک - بر طبق دعوتی که قبلا از طرف باشگاه جوانان بعمل آمده بود آقای دکتر نورالله افلاطونی در حضور عده کثیری از جامعه اسرائیل اراک کنفرانس بهداشتی مؤثری دادند و مخصوصاً لزوم نظافت و داشتن حمام را

گوشزد نمودند

دعوت بمنظور مشورت امور ملی

تهران - از قرار اطلاع واصله انجمن کلیبان تهران در نظر گرفته عده ای از شخصیت های برجسته اسرائیل تهران را برای مشاوره در امور مهمه ملی و فرهنگی دعوت نماید.

تأسیس کلوب فوتبال

تهران - برای اینکه جوانان اسرائیل بتوانند در سال آتی نیز در مسابقات فوتبال بوجه احسن شرکت نمایند عده ای تحت سرپرستی آقای مهندس الی تشکیل شده که هفته ای چند روز مشغول تمرین میباشند ما موفقیت این جوانان را از خداوند متعال خواستاریم.

ایسرائیلیهای آبادان

آبادان - از قرار اطلاع رسیده اسرائیلیهای ایرانی و اسرائیلیهای عراقی مقیم آبادان هر يك بطور جداگانه تشکیلاتی برای امور داخلی خود دارند چون این رویه بعقیده ما صدمه به پیشرفت امور مشترک میزند تقاضا داریم که مجتبعاً انجمنی برای اداره امور خود تشکیل دهند و از وجود آقایان معلم صیون و حاخام منشی و سلمان دانیل و غیره نیز استفاده نمایند.

کشیك شبانه در خیابان سمیروس

تهران - برای عبادت بمرضای فقیر و بی بضاعت بر طبق درخواست کانون خیر خواه آقای دکتر ثمان حاضر شده اند در تمام ساعات شب در موقع لزوم بعبادت مرضای بی بضاعت و فقیر بروند - اقدامات خیر خواهانه کانون و آقای دکتر ثمان قابل توجه است.



دوشیزه پردخت شفاء شاکرذ اول دانشیاه سوم دبستان اتحاد همدان در سال تحصیلی ۲۵-۲۴

تذکر

چاپخانه بوستانی هیچگونه بستگی باعالم یهود ندارد و فقط یکی از فروشندگان میباشد از کلیه مراجعه کنندگان خواهشمند است که مستقیماً بدفتر عالم یهود مراجعه فرمایند

گزارش کمیسیون تقسیم در این خصوص چنین میگوید: « ناحیه نجب بیابانی بیش نیست و گویا بقدری بهمین وضع باقی بماند تا وقتی که اسرائیلها قدم در آن گذارده و آنرا آباد و مبدل بگلزار نمایند »

از نقطه نظر قانون بین المللی اگر موضوع را مو شکافی نمایم خواهیم دید که نسبت به دعوی اسرائیل نسبت به ایجاد قانون ملی در فلسطین نباید مخالفتی بعمل آید بدین معنی که دولت انگلیس ارض اسرائیل را از تحت تسلط عثمانیها آزاد ساخت ولی قبلاً بیمل خود و آزادانه به یهودیان قول داد که همه نوع مساعدت را در آبادی قانون ملی اسرائیل در فلسطین بنماید و همین قول در ضمن قانون تحت الحمايگی بعنوان یکی از وظایف بریتانیای کبیر درج گردید و یگانه شرطی که قید شده اینست که آباد کردن قانون ملی یهود نباید لطمه بحقوق مذهبی و مدنی یا وضعیت ملل غیر اسرائیل فلسطین گردد.

جامعه ملل و کمیسیون دائمی تحت الحمايگی آن مأمور سر کشی با اجرای این قانون شدند تا هر جا که منافم اسرائیلها و اعراب با یکدیگر تصادم نمایند آنها احتیاجات هر دو ملت را در نظر گرفته و سعی کنند راه حل مناسبی بیابند.

اما مافوق هر قانون بین المللی قانون بالا تری وجود دارد که در وجدان انبای متمدن جهان مستقر گردیده و آن اینست که بهر ملتی باید فرصت داد که از نعمات زندگی متمتع گردد بدون این که سایر ملل عالم بخواهند مستبدانه از آن جلوگیری نمایند پس از جنگ بین المللی اول اعراب با یهود فرشت را یافتند یعنی بر اثر مساعدت نیروهای متفقین از زیر یوغ عثمانیها نجات یافته و حالا بطور آزادانه بر سر زمین وسیعی که گنجایش دو برابر بلکه سه برابر جمعیت کنونی را دارد حکمفرمایی می کنند.

اما اسرائیل که یکصد هزار نفر از اولادان خود را در میدانهای جنگ (مقصود جنگ بین المللی اول است) از دست داد چیز دیگری نصیبش نشد مگر اعلامیه بالفور که وعده می دهد قانون ملی برای آنها در کشور کوچولوی ارض اسرائیل تأسیس نماید در صورتیکه فلسطین فقط یک درصد مساحت مجموع زمینی است که فعلاً تحت حکمفرمایی تازیهها است.

این وعده یگانه امید ملت اسرائیل برای بقای ملی و توسعه آزادانه استعداد فرهنگی و اقتصادی اوست ... این یگانه روزنه روشنی است در میان ابرهای تیره ای که افق بخت آنها را در جهان احاطه کرده است.

اگر کسی درصدد برآید که این مساحت کم فلسطین را یعنی ۲۶/۰۰۰ کیلومتر مربع را در عالم تصور به آنهمه سرزمین پهناوری که در اختیار اعراب است و تقریباً به ۲/۰۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع میرسد بیافزاید و بدینا خود بیاندیشد که همین ۲۶/۰۰۰ کیلومتر ممکن است روزی باعث خوشبختی و رفاهیت ملتی ۱۷ میلیونی (امروزه ۱۲/۵ میلیون) بشود بطوریکه این جمعیتی که فعلاً درد دنیا را کرده است دور هم جمع شده و ملتی آزاد و مترقی مثل همه ملل عالم تشکیل دهد آنوقت بطور وضوح براو معلوم خواهد شد که کفه دلائل اسرائیل میچربد و حق با اوست.

کمیسیون دائمی قیومیت هادر گزارش سال ۱۹۹۳ خود را جاع

بقلم « پرفسور آرتور روبن »

ترجمه: « العازار کهصدق »

جزئیات سازمانهای صیون از بدو تشکیل تا امروز

باین موضوع چنین میگوید « باید در نظر داشت که رنج بردن یهودیان و اعراب بهیچوجه قابل مقایسه با یکدیگر نیست زیرا سرزمینهای وسیعی در خاور نزدیک (که سابقاً اهالی خیلی زیادی داشته و تمدنش مشعش بوده در اختیار اعراب است حال اینکه در تمام دنیا جانی برای استقرار اسرائیل وجود ندارد »

سر آلیسون روسل که یکی از اعضای کمیسیون فوق الذکر بود میگوید که « اعراب باید متوجه مساحتهای وسیعی از زمین بشوند که فعلاً تحت فرمان فرمائی تازی است و بر اثر مساعی نیرو های متفقین در جنگ ۱۹۱۷ - ۱۹۱۴ بدست آمده .

و نیز بدانند که یهودیان در بدست آمدن پیروزی آت جنگ سهم بسزائی داشته اند »

عربها می ترسند که اگر مهاجرت اسرائیل همیشه همچنان زیاد باشد آنوقت حکمفرمائی تمام فلسطین بچنگ یهودیان افتد ولی اسرائیلها این سوء تفاهم را رد میکنند زیرا در کنگره های صیونیست در سال ۱۹۲۱ و ۱۹۲۵ و ۱۹۲۹ صریحاً اظهار شد که اسرائیل فقط مایل به همکاری با اعراب میباشد و نیز تصریح نمودند که ملیت اسرائیل در فلسطین نباید تفوق بر عرب داشته و نه زیر دست آت باشد ... این جاقط باید کشوری باشد که یهود و عرب مانند دولت مساوی الحقوق پهلو به پهلو یکدیگر باسیستم تحت الحمايگی که حقوق آنها را بطور برابر با آنها بدهد زندگی نمایند.

امثال این قبیل کشورها در دنیا زیاد است مثلاً در آفریقای جنوبی انگلیسها و بوئر ها پهلو هم زندگی میکنند و تساوی حقوق بین آنها حکمفرماست و همین طور هم هست در کانادا راجع بفرانسویها و انگلیسها ...

وضعیت بریتانیای کبیر

نه اعلامیه بالفور و نه قانون قیومیت فلسطین هیچکدام وضعیت سیاسی آینده اسرائیل یا غیر اسرائیل را در فلسطین مشروحاً تعیین نمی کنند

در آن ایام اکثر صیونیستها و خارجیهائی که از مزایم صیونیسم پشتیبانی مینمودند فلسطین را بچشم (کشور یهودی) تلقی مینمودند مثلاً در سال ۱۹۲۲ که چرچیل کتاب سفیدی منتشر نمود (یعنی در همان هنگام که فلسطین به تحت الحمايگی دولت انگلستان سپرده میشد) متذکر گردید که مقصود از آباد کردن خانه ملی یهود این نیست که ملیت یهود بر ساکنین فلسطین تحمیل گردد بلکه منظور این است که حق سکونت اسرائیل در فلسطین (بنا بر سابقه تاریخی که با این کشور دارند) از نقطه نظر بین المللی تضمین گردد تا یهودیان بدانند که وجودشان در فلسطین از راه حق است و نه از روی تحمیل یا اجبار بعبارت دیگر حق ایشان نسبت به مهاجرت و استقرار در فلسطین بسته بیمل اعراب آن کشور نبوده بلکه مربوط به نظریه مقامات بالاتری است - کمیسیون سلطنتی هم روی اصل مدارک و اسناد رسمی مربوط بدوره اعلامیه بالفور چنین نتیجه گرفت که دولت اعلیحضرت پادشاهی

انگلستان میخواهد برود ایام کشور اسرائیلی در فلسطین تأسیس نماید .

ولی از آن تاریخ تا کنون سیاست دولت قیوم خیلی تغییر کرده است دلسوزی مردم دنیا نسبت باحوال ملت اسرائیل و شور و شوق مبتکرین اعلامیه بالفور از بین رفته و چون کابینه های مختلفی سرکار آمدند آن حسن نظرهای اولیه از میان برداشته شد و حتی بعضی از وزراء معتقد بودند که اعلامیه بالفور باعث زحمت آن ها گردیده است

در ضمن عطف توجهاتی که نسبت بمصرو کشورهای عربی آسیا و مسلمین هندوستان می شد مزید بر علت گردید و سد راه فعالیت اسرائیل شد .

دولت انگلیس دیگر تشویقی از عملیات کلنی سازی صیونیسم هانموده و فقط ناظر بیطرفی گردید و در بعضی موارد حتی سعی میکرد که عملیات آنها را خنثی نماید و خط مشی میانه روی را در پیش گرفته و مواظب بود که دوستیش با هیچ یک از طرفین تیره نشود و هر وقت اغتشاشاتی در فلسطین رخ میداد جدیدت مینمود که با اعزام قوای امدادی نظم را مجدداً برقرار نماید ولی نظر به این که سیاست مخصوصی داشت باین جهت این نیروها را قدری دیرتر از موقع لازم میفرستاد ...

هنگامیکه مذا کراتی که در سال ۱۹۳۹ بین اسرائیل ها و اعراب در لندن در گرفت بی تصمیمی دولت انگلیس بر اثر تمایلات زنده بین المللی که در آن زمان بر جهان حکمفرما بود افزایش یافت .

بریتانیای کبیر منتهای جدیدت را بخرج میداد که صلح جهانی را حفظ نماید و تا سرحد امکان از بروز جنگ جلوگیری کند مبادا که از نیروی ستراتیژیک وی کاسته شود ضمناً میترسید که اگر مسئله فلسطین را برخلاف میل لیدرهای عرب تصفیه نماید تازی ها ساز مخالفت با بریتانیا را آغاز و با کشورهای فاشیست همکاری نمایند - عربها هم این وحشت انگلیسها را درک کرده بودند باین جهت تا آنجا که توانستند پافشاری در گرفتن امتیازاتی برای خود نموده و موفقیت عظیمی حاصل نمودند

وقتی مسلم شد که بین اسرائیل و عرب موافقتی تسولید نخواهد شد دولت انگلیس کنفرانس را خاتمه داده و سیاست خاصی نسبت بفلسطین در پیش گرفت یعنی کتاب سفیدی منتشر ساخته و در ضمن آن اعلام داشت که « قصد دارد در ظرف مدت ده سال فلسطین را کشور مستقلی نماید و با آن عهدنامه اتحاد به بندد که احتیاجات تجارته و سیاسی هر دو کشور تامین شود »

این عهدنامه مخصوصاً « برای حمایت جماعات مختلفه » فلسطین طبق تعهدات دولت پادشاهی در مقابل اعراب و اسرائیل « ها و برای وضعیت خاص فلسطین و قانون ملی یهود خواهد بود » چنانچه پس از ده سال بردولت پادشاهی بریتانیا معلوم شود « که برخلاف انتظارش هنوز هم اوضاع و احوال فلسطین،

« اقتضای آنرا نمیکند که بعنوان کشور مستقلی شناخته شود » « باید تاریخ آن قدری بتعویق افتد آن وقت بانمایندگان ساکنین « فلسطین و جامعه اتحادملل و کشورهای عربی مجاور مشورت « های لازمه بعمل خواهد آمد قبل از اینکه تصمیمی راجع بتعویق « فوق الذکر گرفته شود »

در طول مدت این ده سال کم کم جدیدت خواهد شد که هم کاری بین اعراب و یهود بیشتر شود و حکومت به دست خودشان سپرده شود .

در پنج سال نخستین (یعنی از آوریل ۱۹۳۹) ملت اسرائیل نباید از ثلث مجموع ساکنین آن کشور تجاوز نماید یعنی در ظرف این مدت مهاجرت یهودیان محدود به ۷۵۰۰۰ نفر میشود و پس از پنج سال دیگر هیچ مهاجرتی نباید بعمل آید مگر اینکه اعراب بدان رضایت دهند

« دولت انگلیس پس از اینکه پنج سال مهاجرت به « پایان رسید دیگر حق ندارد که تسهیلاتی برای ورود مهاجرین اسرائیل « بفلسطین بعمل آورد و هیچگونه تعهدی هم برای توسعه دادن « به « قانون ملی یهود از راه مهاجرت نخواهد نمود مگر اینکه « اعراب با آن موافقت داشته باشند »

برای خرید و فروش مستلات مقررات خاصی از طرف کبیسر عالی فلسطین تنظیم خواهد شد و شاید مقصودشان این خواهد بود که قسمت مختصری از زمین را بایسرائیل تخصیص دهند و در سایر قسمتها خرید و فروش را بکلی ممنوع یا لاقط محدود نمایند (مترجم - در کتاب عالم یهود صفحه ۶۶۹ (قسمت ۲۸) شرح کاملی راجع به تقسیم زمینهای فلسطین به سه منطقه و اعتراض اسرائیلها بر ضد آن بطور مفصل درج است) بطوری که اطلاع دارید هم اسرائیل و هم عرب مندرجات این کتاب سفید را لغو نمودند

اوضاع فلسطین بعد از کنفرانس لندن

در کتاب سفید سال ۱۹۳۹ اصولاً هیچ توجیهی ببدلول قانون قیومیت نشده هر چند که قانون مورد گفتگو دولت انگلیس را موظف مینماید منتهای مساعدت را با اسرائیلها جهت ایجاد قانون ملی یهود بعمل آورد

دولت نامبرده اکتفا نموده باینکه بگوید که در بیست ساله گذشته آنچه را که وظیفه اش بود در این راه انجام داده و این قسمت از ماموریتش بی پایان رسیده است ... چنانچه بادیده حقیقت بین بنگریم کتاب سفید برای استقرار قانون ملی یهود هیچ وسیله ای تأمین نموده است

چنانچه احتمالاً فلسطین مستقل شود (هر چند که مقرراتی برای این منظور در کتاب سفید پیش بینی شده) معیناً اکثریت عرب در آنجا حکمفرما خواهد شد و اسرائیل هیچ وسیله ای برای حمایت خود در مقابل ضربات نیروی اکثریت نخواهد داشت و بهترین دلیل ما سر نوشت اقلیت یهودی در اروپای خاوری و سر نوشت آسوری ها در کشور مستقل عراق میباشد - در آن صورت از عهده که بر میآید که یک کشور عربی آزاد و خودمختاری را مجبور کند که تعهدات قانونی و اخلاقی خود را در مقابل اقلیت یهود مطابق النعل بالنعل اجراء نماید ...

دختر

در جامعه ایران

آن بانوی باردار پس از نه ماه محنت و رنج در پایان عمری آرزو و انتظار اکنون چه بار آورده است. دختر... ای وای راستی که مایه تأسف و اندوه است ای کاش بدینا نیامد. پدر زانوان غم را بیرکشیده وهم چون کشتی شکستگان در گرداب غصه و کدورت فرو میرود.

مادر بیچاره و صدمه خورده زار زار اشک میریزد و همچون جنایتکاری که شرم آور تر و مخوفترین تبهکاریها را صورت داده باشد سر از گریبان غم برنیدارد. آشنایان با دلسوزی تمام تسلیت میدهند و قوم و خویش ها با زست و ادا (متك) میگویند در هر حال همگی با چهره گرفته و عبوس بدینا و فلک و طبیعت میگردند که چرا درخت امیدشان (دختر) بشر رسانیده است آری دختر یعنی ماتم و مصیبت. یعنی تأسف و اندوه و محنت؟

در این میان نوزاد شیون میکند و فریاد و غوغا بفلک میرساند و بیهوده منتظر نوازش و مهربانی دیگرانست طفلک ناز میکند ولی نازوی خریدار ندارد. ناله میزند اما ناله اش در قلب هیچکس مؤثر نیست با تمام قوت چیغ میزند اما گوش بدهکار. تیره بخت نمیداند چه گناه بزرگی را مرتکب شده است که قابل بخشایش نیست. گناهی که وی را به سیاهترین سر نوشت ها محکوم میسازد. گناه «دختر شدن» اوه پناه بر خدا این تازه رسیده خیر مقدم ندارد و تبریک ورود ندارد جشن شادی ندارد بجز آنکه دختر است. مثلا بعضی ها میگویند اگر زن حامله سنگ بیندازد بهتر است که دختر بزاید چرا مگر دختر چه گناهی را مرتکب شده است. این چه سنت ناهنجار و نامبار کیست تا کسی این تقیصه اخلاقی باید بیاد گار قرون وحشت و سبیت در طبیعت شما باشد در صورتیکه اکنون قرن ها از آن عصر مظلم میگذرد ولی همچنان دختر در میان دستخوش اهانت و مذلت است هنوز در خانواده ها دختر را عضو مستقل نمی شناسند هنوز (زن) را مستحق حرمت و تشخص نمیدانند و هنوز هم قدوم دختر را با ناز چار و بی زاری استقبال میکنند.

چرا؟ مگر پسر چه کرده که دختر نکرده آيا پسر ها از بوستان زندگی چه گلی چیده اند که دختر ها در مقابل (سنبل) چیده اند.

آخری گوئید تفاوت شخصیت میان پسر و دختر چیست؟ که تا این اندازه تبعیض برای آنها قائل میشوید. در صورتیکه اگر زن نبود فصل دلکش بهار طراوت و صفا نداشت. گلها شکفته و خندان نبودند. آنوقت ما (مادر مهربانی) نداشتمیم که سر بردامن وی گذاریم (خواهر دلسوزی) بچنگ نمی آمد که باوی غم دل بگوئیم آنوقت دلبر و دلارام نداشتمیم تا بیاد وی زنده بمانیم و بعشق وی فشار سنگین زندگی را بردوش خود آسان سازیم. بنابراین چرا بسیمای دختر با چشمان تیره و تار مینگرید.

زن

آنچه در اینجا گفته میشود

از افکار بزرگان تراوش نموده

آنانول فرانس - تنها وجود زنانست که باین زندگانی سراپا ملال قدر و منزلتی میدهد، اگر زن در جهان وجود نمیداشت، زندگی تحمل ناپذیر بود. هانریش هاینه - وجود زن مخلوطی از فرشته و شیطان است، ولی شیطان غالباً فرشته را گول میزند. الکساندر دوما - زن را چون فرشته آفریدند تا نگهبان روح ما باشد.

نابلئون - زن فقط برای عشق بازی خوب است. ماکس رینال - زن برای عشق بازی خلق شده است. اوسکار وایلد - زن برای روستائیان کمک کننده است، برای طبقه متوسط بار زیادی و برای طبقه نجبا گناه است. لا کردور - در هر کجا که زنی باشد روح در خطر است. دیزرائیلی - آنها تیکه ازدواج کرده اند میگویند زن بد است، زیرا فقط و فقط میخواهند خودشان از این موهبت متمتع گردند.

لامارتین - در آغاز هر کار مهم زن وجود دارد. روسو - زن فرشته ایست که در کودکی پرستار ما، در جوانی کامبخش ما و در پیری تسلیت دهنده ما است. بیکن - زن یار مردان جوان، رفیق مردان کامل و دایه پیر مردان است.

گوستاو لانتیه - زن مخلوقی است که همیشه با قلب و باطن خود راز و نیاز دارد. جونسون - زن مخلوقی است که در او لطیف ترین و صمیمی ترین فضیلتها را میتوان یافت. کونگرو - زن مجموعه ایست از ملکات. بوسیکو - ای کاش آدم بوالبشر با همه دنده هایش مرده بود.

ویکتور هوگو - نابلئون را زن بوجود آورده است. آلبون - در زن خلقتی است که عقل ناقص آنرا درک نمیکند. داوهر - زن موجود زیبایی است که اعجاز آسمان، دنیای پست زمینی را با آن دلپسند کرده است.

(گردآورنده ی. ش)

چرا قدر زن و قدر دختر را نمیدانید. چرا يك پسر کور و کچل و چلاق را بريك دختر زیبا ترجیح میدهید در صورتیکه این طور نیست و راه غلط را پیموده اید.

آموزگار دبیرستان اتحاد. دوشیزه - مروارید یزدی

ما چنین بی عدالتی که خانم محترمه نوشته اند میان جامعه یهود سراغ نداریم

ع - اورژ

پس از آنکه در اثر وقایع شهر یورماه تغییری در اوضاع ایران داده شد و آزادی احزاب و اجتماعات و روزنامه ها اعلام گردید نظر بمقتضیات وقت و روی این اصل که تغییرات محیط در تمام افراد آن تأثیرات خود را می بخشد فعالیت های اجتماعی چه از لحاظ نشریات و چه از لحاظ

سازمان ها از طرف یهودیان کم و بیش شروع گردید و در عرض این مدت اجتماعات و نشریات چندی بانام و مقاصد مختلف روی کار آمدند عده ای ماندند و عده ای بعللی منحل شدند ولی تنها نشریه ای که توانسته است مدتی ادامه یافته و بطور منظم منتشر شود کتاب عالم یهود بوده است.

ولی موضوع قابل توجه و مهم این است که همیشه فریاد کلیه مؤسسين اجتماعات و نشریات مجلات فوق الذکر از همکاری نکردن سایر افراد هم کیش خود بلند بوده و از این موضوع دائماً شکوه و شکایت میکردند و این موضوع در باره ناشرین و هیئت تحریریه عالم یهود بیشتر صادق است و خصوصاً همیشه از انتقادی که از آن بعمل می آید سخت دلتنگ میباشند من از لحاظ این که یک فرد این اجتماع میباشم و علاقه و میل وافر باصلاح اجتماع خود دارم از طرف دیگر نمیخواهم يك فرد منفی این اجتماع بوده باشم. از انتقاد نسبت باین کتاب صرف نظر کرده و مساعی ناشرین و زحماتی را که نویسندگان آن با وجود مشکلات فراوان امروزی متحمل می شوند گواين که نتیجه خیلی مثبت از لحاظ اجتماع ما نداشته باشد تقدیر میکنم و معتقدم که انتشار این مجلات باعث میشود که جوانهای منفی باف و افراد خمور و بی علاقه با اجتماع را از کنج خانه یا محل کار و محیط آموزش خود بیرون کشیده و وارد میدان مبارزه اجتماعی نماید.

ولی غرض عمده من از نوشتن این مطالب این بود که شکایات بی دربی کتاب عالم یهود را نسبت بهمکاری نکردن باو و انتقاداتی که از آن بعمل می آید جوابی گفته و علل آن را بیان کرده باشم.

من علت همکاری نکردن و کمک نکردن افراد را با این کتاب روی دواصل بزرگ میدانم اول آنکه هنوز عده زیادی از افراد جامعه ما اجتماعی نیستند و اصولاً با اجتماع خود علاقه ندارند و هیچ سعی و کوششی در تغییر و تبدیل آن مبذول نمیدارند اگر چه این عیب بزرگی است ولی من تقصیر را متوجه آنان نمیدانم چون تا بحال محیط طوری بوده که با آنان فرصت چنین کارهایی را نمیداده است لذا در درجه اول باید سعی کرد که افراد را باصلاح محیط خویش علاقه مند ساخت و با آنها فهماند که منافع خود را در منافع اجتماع جستجو کنند و آنها را تشویق کرد که وارد مجامع و سازمانها

دانشجوی دانشکده پزشکی

شده بی حقوق خویش برده و برای رفع فشار های جامعه و گذر فتن حق خویش بمبارزه بردارند آنوقت خواهید دید که افراد باچه علاقه و پشت گرمی از کلیه کار های اجتماعی استقبال خواهند کرد.

اماعت دوم که من تقصیر را متوجه خود نویسنده گان عالم یهود

میدانم و آن اینکه در بین مطالب کتاب تضادهای زیاد موجود است من معتقدم و این اصل کلی است که تا موقعیکه اجتماعی از کتاب شما پشتیبانی نکند برای همیشه با همین تضيیقاتی که با آن روبرو هستید دست بگریبان خواهید بود و بسختی میتوانید این کار خود را ادامه دهید و نتیجه این زحمات سیل انتقاداتی خواهد بود که بسوی شما روان است. ممکن است از این نوشته تعجب کنید و علت آن را بخواهید ولی من شما جواب میدهم که:

از شما پشتیبانی نمیکند چون متکی با اجتماعی نیستید و از لحاظ عقاید دارای يك بر نسپ واحد نمی باشید یکی از سرمقاله های گذشته شما در تحت عنوان «چپ یا راست» بخوبی نشان میدهد که چطور شما میخواهید این کتاب خود را منتشر کنید علت همکاری نکردن مردم را در همین رویه بدانید و پس اما چرا بنظر من این رویه شما صحیح نیست در این جا سعی میکنم علل آنرا بیشتر تشریح نمایم قبلاً تذکر این موضوع لازم است که آيا شما این کتاب را منتشر کرده اید تنها از لحاظ اینکه صفحاتی راسیاء کرده و چیزی نوشته باشید یا اینکه مقصود شما اصلاح این وضع اجتماعی خراب ما و توسعه فرهنگ و تنویر افکار عموم است من فکر میکنم وحس کرده ام که مسلمانان منظور شما پیشرفت اجتماع ماست در این صورت است که رویه ایرا برای این منظور پیش گرفته اید صد درصد اشتباه است

اگر منظور شما پیشرفت و توسعه فرهنگ آن عده است که از تمام وسائل مادی زندگی بهره مند می باشند که آنها دل سوز و تعلیم دهنده چون من و شما لازم ندارند و باین حرف های ما بوزخند میزنند و تنها در يك مورد از این نشریه پشتیبانی میکنند که صد درصد در اختیار آنها و برای حمایت آنها بکار برود در این صورت است که شما را چون مزدوری خریداری کرده و آلت دست خود قرار خواهند داد.

و اما اگر منظور شما پیشرفت و بهبود وضعیت زندگی ۹۰ درصد توده بدبخت و فقیر یهودی است که بسا بدترین وضعی در کنج دخمه های تنگ و تاریک و خراب زندگی میکنند و زندگانی آنها را هیچ چیز جز زندگی سک نمیتوان تشبیه کرد بدبخت بدینا آمده و بدبخت زندگی کرده و بدبخت میمیرند میباشند که در این صورت سخت در اشتباهید



مطالبات وارده

فضولی هم منطق میخواد

فهماندم که اشتباه ایشان در بدخواندن و بد فهمیدن عبارت اشعاع است و گفتم بهتر است اینطور جمله را بخوانید که «شریعت از صیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر میشود» بدین معنی که اگر شریعتی یا کلام خدائی در کار باشد منشاء آن صیون و اورشلیم خواهد بود مقصود این است که از اورشلیم یا فلسطین چیز بدیا آدم غیر اخلاقی هرگز بیرون نی آید.

بسیاری از سوء تفاهات ناشی از اینست که شخص قوت یا تسکین کلام را روی کلمه یا عبارت عوضی قرار میدهد. حالا بنده سؤال میکنم آقای دکتر کامروا کی گفته است که فقط همخونی است که وسیله سرایت یبوری از والدین با طفل میشود و کجا نوشته است که دونفر غیر هم خون اگر دارای مرض متشابهی باشند وباهم ازدواج کنند آن مرض بطفل آنها سرایت نمیکند؟ دکتر نامبرده روی کلمه (همخون) تکیه نگذارده و فقط خواسته است اهمیت موضوع هم خونی را در برابر اهمیت (بیمار بودن پدر و مادر هر دو) کم کند و یا از بین ببرد. اینست که ناخوشی گرفتن طفل را منوط باین شرط دانسته که پدر و مادر هر دو دارای یک ناخوشی بخصوصی باشند اعم از اینکه هم خون یا غیر هم خون باشند.

پس خواهش دارم این قسمت از فضولی را تصحیح فرمائید تا از لحاظ درست فکر کردن که منظور اصلی بنده است موجب لغزش هیچ طبقه از خوانندگان نشود.

آری فضولی هم باید منطقی باشد در خانه بار دیگر متذکر بشوم که چون تشخیص بنده هنوز کاملاً ثابت نشده که ازدواج با اقربا منجر بحوادث سوء صحتی میشود یا نمیشود نخواستم با درج این مختصر تأییدی از گفته دکتر نامبرده یا تکذیبی از اظهارات سرکار کرده باشم منظور یک تمرین کوچکی در طرز مناظره بود. اما اینرا هم بدانید که آن قسمت از مقاله سرکار که در آن آیه ای را از توریه نقل کرده بودید آقدر ها هم که خودتان تصور فرموده اید ساده و غیر قابل بحث نیست. خداوند توفیق دهد بعداً بیشتر در این باب صحبت کنیم. دوست ناشناس فضولباشی

آقای فضولباشی چون هیئت تحریریه عالم یهود بیطرفانه صفحات کتاب خود را برای بحث و انتقاد آزاد گذاشته و عاقلانه ترجیح داده اند که کتابشان نماینده افکار عموم و نه یک طبقه بخصوص باشد اجازة میخوام جواب شما را در قسمتی که اظهارات آقای دکتر کامروا را نسبت بوضع ازدواج با اقربا مقرون باشباه لیب دانسته اید عرض کنم. اما قبلاً خواهش دارم شما و سایر خوانندگان گرام این نکته را توجه فرمایند که مقصود از (جواب) در این مورد ابداً رد کردن عقیده شما یا تأیید عقیده دکتر نامبرده نیست زیرا اولاً من آقای دکتر کامروا را نمی شناسم کما اینکه خود شما را هم که نام مستعار فضولباشی را اختیار کرده اید نیشناسم و ثانیاً این موضوع بقدری پیچیده و مفصل است که اگر بخواهند از لحاظ صحتی و مذهبی هر دو در آن بحث کنند با یکی دو مقاله تمام نخواهد شد و بطوریکه شنیده ام انجمن روحانی تصمیم گرفته که در این خصوص یک رشته اقدامات جدی مبادرت ورزد و امیدوارم زودتر نتیجه این اقدامات بدست آید تا باین ناشکیبایی مردم خاتمه داده شود. ثالثاً بطوریکه از بعضی پزشکان و صاحبان تحقیق شنیده میشود تاکنون نتیجه قطعی از آزمایش های علمی در این باب بدست نامده و تا اندازه ای موضوع را میتوان هنوز بمنزله فرضیه یا تئوری تلقی نمود.

پس ممکن است سؤال فرماید «اگر مقصود شما این نیست که بگویند ازدواج با اقربا خوب است یا بد چه جوابی دارید که بپن بدهید؟» عرض میکنم از نوشتن این مختصر صرفاً منظورم اینست که بعضی از خوانندگان جوانرا متوجه لزوم درست فکر کردن و استدلال صحیح بنمایم زیرا متأسفانه اکثریت ما از این نعمت بزرگ که هم طبیعی و هم اکتسابی است و در جمیع شئون زندگی و مخصوصاً در موضوعات مذهبی و اخلاقی انسان بدان احتیاج دارد محروم هستیم. از طرفی هم گروهی از مردم خیال میکنند که فقط هرکس در جزو دروس عالی مدرسی علم منطق تحصیل کرده باشد میتواند درست استدلال کند و حال آنکه امروز در اروپا و امریکا کتابهای ساده ای می نویسند که بدون داشتن عنوان رسمی (منطق) اطفال را در درست فکر کردن و درست جواب دادن تمرین و ورزش دهد.

باری وارد مطلب شوم. از قرار معلوم آقای دکتر کامروا دارای این عقیده بوده اند که ازدواج اشخاص همخون در صورتی برای حالت مزاجی اطفال خطرناک است که والدین هر دو دارای امراض متشابهی باشند. حالاً شما با یک طرز منطقی نامیرسید آیا اگر والدین غیر همخون هر دو دارای مرضی باشند در نسل آنها بی اثر خواهد بود و آیا فقط همخونی است که وسیله سرایت بیماری از والدین با طفل میشود؟

بنده فقط بقایسه صحیح این دو قسمت با هم کار دارم. با آنکه این مثل را همه شنیده اند که اگر هر گردویی کرد است هر گردی را کردو نمیتوان گفت من یک نمونه از مشاهدات خود را نیز قبلاً برای روشن شدن مطلب مینویسم: - وقتی عده ای از برادران دینی شکایت پیش من آوردند که فلان شخص از اورشلیم آمده حرکات ناشایسته و غیر مذهبی از خود نشان داده است (مقصودشان از اورشلیم فلسطین بود زیرا توده یسواد گوی اورشلیم را فقط کانون یهود میدانند زیرا فلسطین بمعنی ارض اسرائیل در کتاب مقدس هیچ دیده نشده است) این اشخاص شاید هم استاد باین آیه از کتاب اشعاع نبی میکردند که گفته است «از صیون شریعت و از اورشلیم کلام خداوند بیرون میاید» اما بایشان

چند کلمه با هیئت تحریریه عالم یهود

بقیه از صفحه ۶۰۳

اگر ادعا دارید که پیشرفت اجتماع را خواهانید اجتماع حقیقی را این توده بیچاره میسازند نشریه خود را در راه حمایت این بیچارگان که علاوه بر بیچارگی خود با تشدید نامی دسته اول نیز میسوزند بکار برید در بین آنها وارد شده آنها را اجتماعی سازید و فرهنگ آنها را بالا برید در اینصورت است که چنان استقبال از مجله شما می نمایند و چنان از همکاری روشن فکران و مساعی این طبقه بهره مند خواهید شد که متعجب خواهید ماند و ندولی شما تا بحال چه کرده اید؟

عمل شما تا بحال کجدار و مریز بوده است و خواسته اید که حافظ منافع هر دو طبقه باشید! این است که همه از شما ناراضید آقایان هیئت تحریریه عالم یهود

شما مجبورید که این واقعیت سر سخت امروز را قبول کنید که جامعه ما مانند تمام جامعه های امروزی از دو طبقه تشکیل شده که منافع این دو طبقه متضادیکه یکدیگرند و خوشبختانه امروز عده زیادی از جوانان روشنگر ما این موضوع را درک کرده و از آن پشتیبانی میکنند ولی آن فرد راست (بقول خود شما) از شما انتقاد میکند چون مقالات چاپ در نشریه شما می بینند و بالعکس صیونیزم و فردم مخالف صیونیزم مقالاتی موافق صیونیزم. لذا همه از شما ناراضیند و حق هم دارند در خاتمه امیدوارم که این تذکرات دوستانه مرا که بحسن نیت شما صد درصد اعتماد دارم و صرفاً بمنظور پیشرفت اجتماعی است که خود ما از مفاسد آن رنج میبریم مورد نظر قرار داده و تجدید نظری در روشی که پیش گرفته اید بنمایید.



وقتیکه این نامه را میخواندیم دست و پای خود را جمع کرده آماده شدیم که معایب کار را که نویسنده توضیح داده یادداشت کرده و ضمناً فکر میکردیم از وجود این معایب لابد شرمند خواهیم شد بدبختانه با خوش بختانه مقدمه خیلی تند و نتیجه جز آنچه ما خود متوجه و متعمد هستیم چیز دیگری نبود اولاً بفرمائید به بینیم نویسندگان عالم یهود که شب و روز زحمت میکشند جز دین اخلاقی و وجدانی آیا بدهی دیگری هم بپردازند که در ادای آن مسامحه شده باشد و در نتیجه آن دسته ای طلب کار حق داشته باشند به ما اعتراض کنند؟ وجدان شما گواهی میدهد که ما هیچگونه بدهی ب مردم نداریم جز اینکه میخواهیم هر قدر بتوانیم سطح فکر مردم را بالا ببریم این دین اخلاقی ما را بقبول این همه مرارت مجبور کرده است. تا نباشد آقایان انتقاد کننده قدری از آتش دور نشسته اید و از حرارت آن خبر ندارید هیچ فکر کرده اید که شما جوانان حساس غیور با شهامت عالم و خوش سلیقه که در حاشیه تشریف دارید این اندازه فداکاری ندارید که همگی دوزخ جمع شده یک سازمان صحیح بوجود بیاورید؟ چه شده است که فرد فرد دارای توقع هستید ولی برای پیش بردن مقصود حاضر به بذل مال و صرف وقت نیستید؛ شما کدام سازمان را دارید که دارای مرانامه مخصوص باشد بحث در کلیات نکنند بلکه جزئیات را مورد دقت و تصمیم قرار دهد تا مامم آنرا قبول کرده و نشریه خود را فقط بان اختصاص بدهیم شما از مشکلات بی خبرید؛ بلی اگر سازمانی بود و مرانامه ای داشت و آن سازمان نشریه را بخود اختصاص میداد اگر نویسندگان



۱ - آقای نورالله پایاب که تعطیل خود را در مسافرت باصفهان گذرانده اند از مشاهده وضع رقت بار کلیان اصفهان متأثر شده مقاله ای فرستاده اند که چون خیلی مفصل است چاپ نمیشود آقای پایاب از وضع دبیرستان و نبودن سازمان جوانان خیر خواه و پر فعالیت که بتواند کمک های فرهنگی و بهداشتی به بازده هزار نفر یهودیان اصفهان بکند شاک می کنند. ما جوانان یهودی اصفهان را نصحت میکنیم که هر چه زودتر دور هم جمع شده یک انجمن ملی تعاونی که بتواند حتی القوه کمک هائی به فرهنگ و بهداشت یهودیان عقب افتاده اصفهان بکند تشکیل بدهند. از نداشتن وسایل و کوچکی کار ترسید قدم بردارید تصمیم بگیری بدیش میروید.

۲ - همدان آقای امیر ی. رفیعی تعریفی که از زبان عبری کرده اید آمیخته با احساسات بود درج نشد

۳ - آقای آقا جان همدانی - ضرر ندارد که آقایان هم به جامعه خدمت کنند و هم نامشان در مجله درج شده معروف گردند.

۴ - آقای سعیدیان: مقالات بهتر راجع به ورزش بنویسید

۵ - مخفی نماند که بعضی از نویسندگان بقدری در مصرف کاغذ صرفه جوئی میکنند که بابا زردین نمیتوانیم خطوط آنها را برک کرده بخوانیم بیچاره حروف چین که باید کاغذ را پشت و رو بخواند!

۶ - آقای سلیمان الی شهر حرم فراوان است و ما همه ملا نصرالدین

۷ - راجع به ۴ اردیبهشت (روز باغ) نامه های تعریف و انتقاد زیاد رسیده که بطور کلی مجبویت کانون خبرتوخواه را در جامعه ثابت میکند و چون موقع گذشته از درج آنها صرف نظر میکنم.

۷ - آقای فرهنگ رین - توجه شما را به مقاله تبریک - تبریک مندرج در صفحه اول شماره ۱۲۳ و آگهی حزب ایران در صفحه چهار همان شماره از روزنامه جبهه معطوف می داریم - دم خروس را افلا پنهان کنید - آقای نختاب از کرمانشاهان اشعاری که سروده اند برای چاپ فرستاده اند که یک بیت آخر آن اینست (هر چه در دل داشت نختاب حزین آزاد گفت) امیدواریم بخلاف گفته خودشان باز هم در دل چیزهایی داشته باشند که بگویند تا اگر با رویه ما موافق باشد چاپ کنیم.

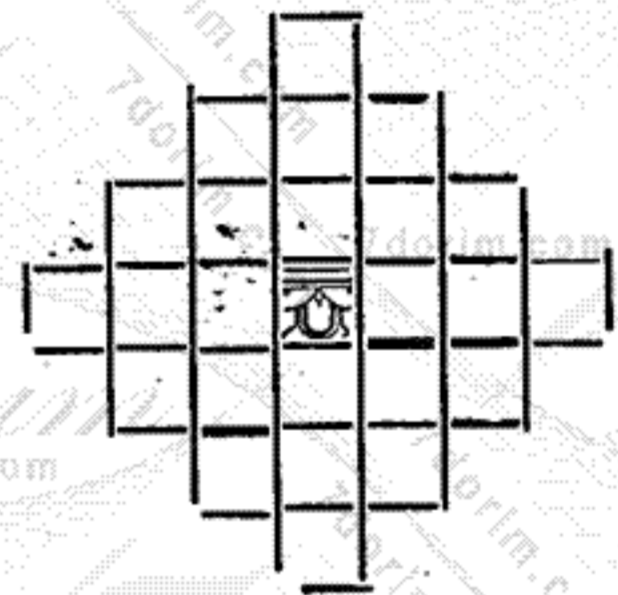
۱۰ - آقای سعد ناصری داستان کردن بند الماس ارتباط بعالم یهود نداشت چاپ نشد داستانهائی که تبه میکنند نتیجه آن باید مربوط بعالم یهود باشد ۱۱ - آقای سالم خاوری - زندگی تیره بختان تازگی ندارد.

آن نشریه از حدود مرام تجاوز می کردند کسانیکه هزینه آن را میپرداختند حق شکایت بلکه اعتراض داشتند ما نمیتوانیم ارگان یک دسته مخصوص بشویم مادارای یک پرنسیب عالی هستیم که مانند چتر بر سر همه سایه میاندازد کسانیکه در زیر سایه چتر هستند در امور جزئی باهم نزاع میکنند هدف ما بساقطان همه گونه وسایل که شرح آن موجب ملال خاطر شما هم خواهد شد و اشخاص باید بقدر فهم خود آنرا درک نمایند در مقابل سختی ها مقاومت کرده و این نشریه را ادامه داده ایم بعضی ها نمیخواهند حقیقت را درک کنند و ما را از اصل بدهکار میدانند والا اگر از نوشته ایم که این نشریه متعلق به جامعه یهود است همه کس میتواند عقیده خود را بنویسد قضاوت آن با خود توده است آنچه عقیده و مرام عالم یهود است دارای امضا ما است و در مقابل آن مسئولیت داریم بقیه میدان مبارزه افکار و عقاید مختلف و برای بحث و انتقاد است عالم یهود

یعقوب دارای يك قایق پارویی میباشد و میخواهد شمعون ، اسحق ، نفتالی و یهودا را از يك طرف رودخانه بطرف دیگر برساند . معین کنید بچه ترتیب و چنددقه قایق باید از رودخانه عبور کند تا بتواند مقصود خود را عملی کند در صورتیکه :

- ۱ - یعقوب نمیتواند اسحق را با شمعون یا با نفتالی در يك جا بگذارد
- ۲ - همچنین نمیتواند نفتالی را با یهودا تنها بگذارد
- ۳ - قایق هر دفعه بیش از دو نفر نمیتواند حمل کند
- ۴ - تنها یعقوب و شمعون میتوانند پارو بزنند
- ۴ - یهودا نمیخواهد اولین کسی باشد که از رودخانه عبور می کند

بدونفر هریک ۲۰ قسمت عالم یهود داده میشود جواب باید باینکریال تبر همراه باشد جدول حل

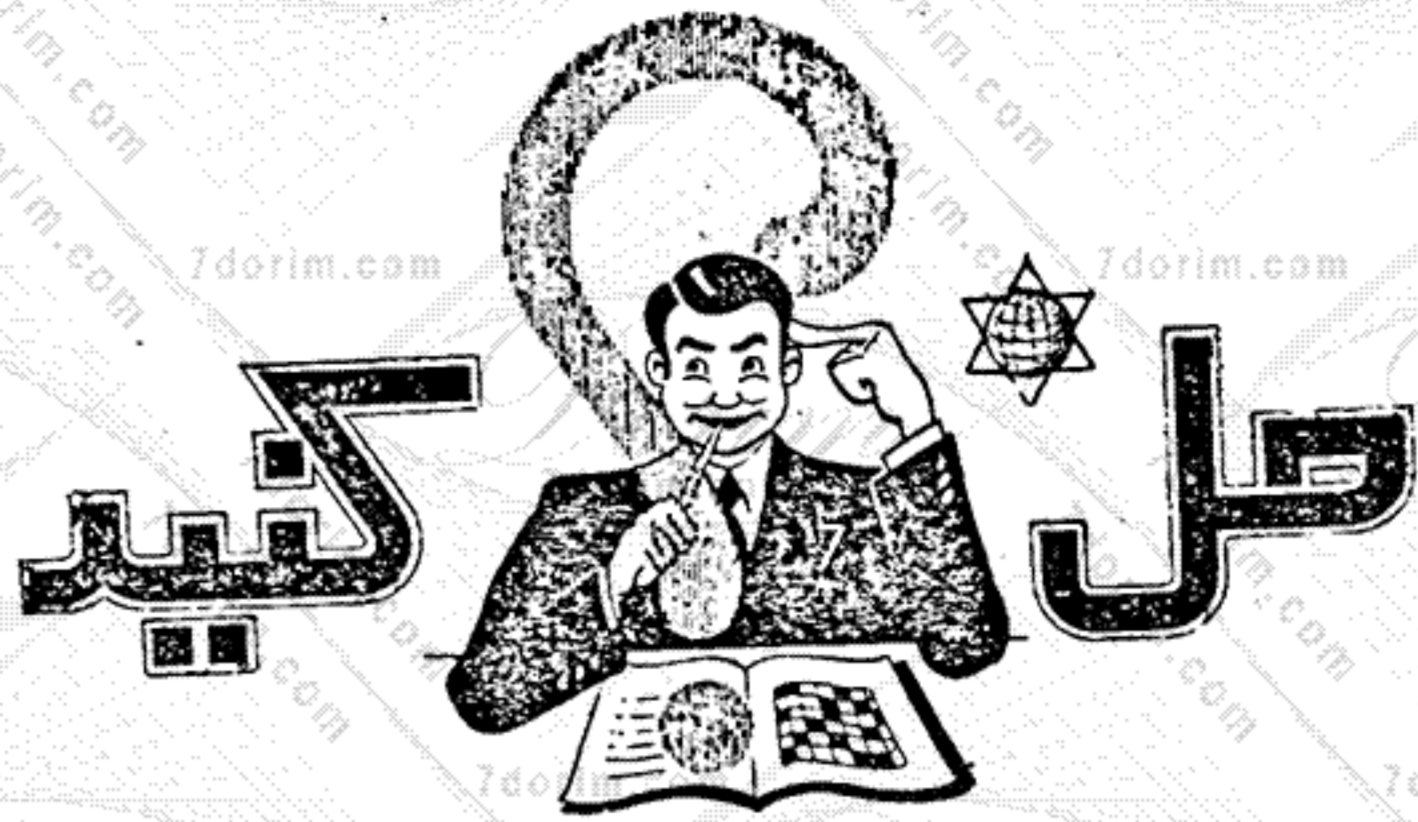


عمودی - ۱ قدیم در مواقع جنگ میوشدند ۲ بمبئی تکان دادن است ۳ - میوزد - از آسان نازل شد ۴ - جاهل - یکی از امیر اطوران روم معاصر بلاش اول افقی - ۱ - روان ۲ مجس ۳ - معکوسش نام حیوانی است - بمعنی فهمیدن

- ۴ - بدشمنی با قوم یهود معروف است
- ۵ - از گندم درست میکنند طرح کننده « جلال نوبندگانی » شیراز بدونفر هریک ۲۰ قسمت عالم یهود داده میشود جواب باید باینکریال تبر همراه باشد نتیجه مسابقه (پنج قطعه) عالم قسمت ۳۳

۲۲	۲۴	۱۳	۳۱	۱۰
۲۳	۲۱	۱۲	۱۵	۲۹
۸	۱۴	۲۰	۲۶	۳۲
۱۷	۲۵	۲۸	۱۹	۱۱
۳۰	۱۶	۲۷	۹	۱۸

از تهران - بانو (!) دوشیزه مه لقا حکیم و آقایان شاپور سلیمانی عزیزانه مجبان ، الیاس خوردیان ، اسحق امینی ، ابراهیم گبای ، یحیی صوفریان ، موسی عربیان ، هوشنگ بن حثیم ، شاهور صدقات ، ناصر بوستانی از شهرستانها - آقایان ۱ - یوسیان ، یوسف قانونیان ، نسان طیب زاده آقایان نجاتی ، آقایان همدانی ، نصرت الله اسحاقیان سلیمان دیلمانی ، عصمت دیل ، الیاس ستمی ، شعبان خلیلی ، عبدالرحمن لیویان مهدی تواضع ، جلال لیویان ، البرنوا گبای یاسخ صحیح داده اند طبق قرعه کشی از تهران آقای یحیی صوفریان و از شهرستانها آقای شعبان خلیلی (ملایر) برنده شناخته شدند .



اگر مادرشدم

پاسخ ۳۶

بر خود واجب میدانم که نکات زیر را مراعات نمایم

- ۱ - تربیت فرزند خود را مقدم بر هرگونه تنعم و تلذذی در زندگی محسوب میدارم صرف نظر از اینکه برای مادر تربیت طفل که مایه قلب و ثمره زندگانی او است خود لذیذترین نعمات دنیاست ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که اگر جزئی ترین غفلت و تسامحی در انجام این وظیفه مقدس روا دارم نه فقط زندگی فرزند دلبد خود را دستخوش آفت و خطر ساخته ام بلکه لطمه بزرگی با اجتماع وارد نموده ام .
- ۲ - اگر لازم شود همیشه خواب و راحت را بر خود حرام میسازم تا اینکه ظلمت روحاً و جسماً دارای تربیت صحیح و در جوانی از هر عیبی پاک و منزّه باشد .

- ۳ - برنامه زندگانی فرزندم را با اقتباس از قرائت کتب و مقالات و مقالات مفید تعیین کرده نخواهم گذاشت چون غلفی هرزه و خودرور بار آید
- ۴ - خود را در تربیت طفلم دچار احساسات و محبت های جاهلانه مادری نساخته چون يك نفر مربی حقیقی با او رفتار نموده نه از تنبیه او متاثر و نه از تفریح و خنده او جلوگیری خواهم نمود .

- ۵ - من آن وجوهی که اختصاص برای تزیین و تفریح خودم دارد تا حدیکه لازم باشد در راه تهیه وسایل تربیت و تحصیل طفلم مصرف خواهم کرد
- ۶ - علاوه بر وظایف مشروحه فوق وظایفی دیگر در مقابل همسر خود دارم که اهم آنها اطاعت و محبت میباشد اغلب مردان معتقدند که اگر در محیط خارج برای آنها ناملایماتی بیش آید بهترین دواى درد آنها مصاحبت با همسران خودشان است پس من باید خود را آماده سازم تا باری ازدوش همسر خود برداشته و بهر نوعی هست غبار کدورت و زنك ملالی که از حوادث ایام برونش پاك سازم - نمونه این دوا داروهای مؤثر خانه داری - مرتب ساختن امور منزل - خوش سلیقه گی - نظافت - مهمان نوازی و غیره -

و از همه مهتر نشان دادن روی متبسم و خندان و تقدیر و سیاسی گزاری از زحمات همسر خود است و کلیه این نکات نیز باید با روح اطاعت و محبت حقیقی توأم باشد چنانچه توانستم وظایف فوق را در مقابل فرزند و همسر خویشتن انجام دهم آنوقت میتوانم فخر و مباهات نمایم که برای فرزند مادری دلبد و برای همسرم رفیق و شفیق و وجهه جامعه عضوی مفید خواهم بود والا . . . ش . داهی - همدن

بزودی برای اولین دفعه در تاریخ نمایشهای اسرائیل

روث و ناعمی

بقلم آقای سلمان حبیب بمعرض نمایش گذاشته خواهد شد

کتاب شرح حال رهبران نامی امریکا

با مقدمه آقای دکتر رضا زاده شفق

نگارش و ترجمه محمود رجبانی

قبض بیش فروش در کتابخانه های این سینا و کانون معرفت دانش و دفتر عالم یهود بهای بیش از انتشار جلدی ۴۰ ریال

بمشتربین عالم یهود ۲۰ درصد تخفیف داده میشود ۴-۱

گوشه ای از زندگی فیلون فیلسوف معروف ایتالیا

مرد ب های سلطنتی حاضر گردید عموم سوار شدند و جناب آقا از جلو و سایر ملتزمین از عقب بسوی بیرون شهروان گشتند در این ضمن فیلون حقه ای بنظرش رسید فوراً یکی از نوکر های درباری گفت من میروم منزل هر گاه مرا خواستند بدانجا بیا - پس از طی مسافتی چند و بر گزار نمودن شکار سلطان و ملتزمین رکاب بسوی شهر مراجعت کردند و نزدیک شهر بیدان وسیعی رسیدند سلطان آنجا ایستاد و ملتزمین رکاب هم حلقه وار دور سلطان و جناب آقا را گرفتند و دانستند که سلطان منظوری دارد سلطان رو به جناب آقا نموده فرمود :

بعقیده جناب عالی این زمین وسیع را چه باید کرد در این اتنا جناب آقا اطراف خود را تکریمت و باصدای رسا گفت ای نوکر بگو ! ولی افسوس که هیچ صدایی بلند نشد و جناب آقا که بهر سو نگاه می کرد اثری از نوکرش نیافت و رنگش پرید و دست پاچه شد و دادامادست بحاسن خود می کشید و نمیدانست چه کند !

پس از چند دقیقه سکوت سلطان بیاده شد و تمام ملتزمین هم بیاده شدند ایستادند سلطان رو بجناب آقا نموده فرمود جناب آقا مگر باید تمام پاسهها را نوکر بگوید این را هم خودتان بفرمایید - جناب آقا سرفه ای کرد و سینه صاف نموده با اطراف خود تکریمت و داستان خود را از عباى خود بیرون آورده گفت سلطانا !

بعقیده من باید (با اشاره انگشت) این طرف زمین را بازاری بسازند و در آن چهل دکان بنا کنند و در آن طرف زمین را پنبه بکارند و آورده و پنبه زنان مشغول زدن پنبه گردند

از شنیدن این سخنان رنگ از رخساره سلطان پرید و عموم حضار باصدای بلند خنده نمودند ولی سلطان غضب آلود فریاد زد ! ای بد جنس مرا مسخره میکنی ای میر غضب فوراً سر این بی شرم را ببر - پنبه زن بیچاره فوراً به پای سلطان افتاده و لابه کنان گفت ای سلطان اجازه بفرما حقایق را به عرض رسانم سلطان او را بلند فرموده گفت بگو پنبه زن تمام قضایا را با گریه و زاری

برای سلطان شرح داد در این موقع سلطان و تمام ملتزمین رکاب و عبادانستند که عالم و فیلسوف حقیقی همان نوکر بد هیکل است بشا بر این بنوکران دستور فرمود تا فوراً او را حاضر نمایند نوکری که خانه او را میدانست باید یک بسوی منزل او روان گردید و تمام قضایا را بگفت و فیلون سوار شده بسوی سلطان روان و پای سلطان را بوسید سلطان پرسید این چه حقه ای است که زدی فیلون با اشاره بحضار گفت قربان این علما و وزرا اینگونه اشخاص را می پسندند نه مرا و شرح تمام این مدت را برای سلطان بیان نمود .

شتر گت کنندگان در همسایه

زیباترین کودکان



همایون فرزند آقای میور رفائیل زاده یکساله متولد شیراز

سلطان تبسم کنان پرسید بعقیده شما این زمین را چه باید کرد ؟ فیلون - بعقیده من چون مرقوم است از صیون شریعت و عدالت و علم و مدنیت و از اورشلیم کلام خداوند صادر خواهد شد باید در این زمین دارالعلم بود و مجلس مقننین و ادارات دولتی و سلطنتی بنا کرد سلطان - خیلی خوشوقتیم پس معماران باید تحت نظر شما نقشه این ساختمانها را بکشند و بنا نمایند و امر فرمود مقرری نیز در باره پنبه زن بپردازند .

فیلون در دربار سلطنتی

فیلون که یکی از فلاسفه مشهور قدیم میباشد معاصر افلاطون و سقراط است و تاریخ تولد او ۲۹ سال قبل از میلاد مسیح میباشد و پس از طی مراحل نامبرده از طرف سلطان وقت بصدارت عظمی منسوب و بریاست «سندهرین» تعیین گردید .

موقمی باین منصب و مقام رسید که چند سالی از تولد مسیح گذشته بود و

مملکت فلسطین در منتهی هرج و مرج و نفاق و دویت در اثر مداخله یونانیان و بعد رومیان و غیره بجدا علی خود رسیده بود شیراز مملکت از هم گسیخته و بین طایفه یهودا و اسرائیل همیشه جنک و جدال بود ولی دیگر

برای آنها رمقی نمانده و بالاتر از همه آنکه «کبته اسرائیل» بجای اینکه روح اتحاد و اتفاق را بین این ملت تولید کرده و آنها را باهم نزدیک کند ب فکر

ریاکاری و تزویر و بر گردن جیب خود بودند فیلون بیکه و تنها چه میتواند بکنند از یکطرف باید اصلاح نماید و از طرف دیگر باید عقاید خود را بنویسد ابتدا از

طرف سلطان یهودا با اتفاق عده ای نزد سلطان اسرائیل برای ائتلاف رفت کوشش او گرچه چند سالی آنهم در ظاهر نتیجه داد ولی باز چون مناقیقین و جاسوسان حتی در دربار یان سلطنتی و بزرگان و

کهنه نفوذ کرده بودند منتج به نتیجه نگردید معینا از هیچگونه اقدام کوتاهی نکرد ساختمان های مفیدی بنا نمود و

مالیات ها را تعدیل کرد برای کهنه قوانین و مقرراتی منع کرد ولی با مخالفت شدید آنها برخورد نمود و بعد چون

اختلاف نظر بزرگی بین سلطان یهودا و سلطان یونان روی داده بود با اتفاق عده ای در دربار یونان رفت و این ملاقات تا اندازه ای از شدت غضب سلطان یونان کاست و تا چند سالی ملت اسرائیل راحت

زیست فیلون نوشته های بسیاری مخصوصاً از رشته فلسفه از خود بیادگار گذاشته که امروزه در دنیا متبذین مشهور است بقیه در صفحه ۶۰۸

آه! امان از پیری. تا آدم با بسن نزاره قدر جوانی را نمیدونه. از شما چه پنهون باینکه سن مخلص هنوز بصدسال هم نرسیده کم کم داره آثار پیری درم پیدا میشه مثلا چشم از صد متری رنگ چیزهای کوچکو خوب تشخیص نمیده پیاده زیاد نمیتونم راه برم زود خوابم میگیزه مطالب مهممرا فراموش میکنم اما نمیدونم چه حسابی تو کاره که چیزهای جزئی را همیشه در نظر دارم و متصل میخوام ایراد بگیرم

همین هفته گذشته بود یه روز بعد از ظهر تصمیم گرفتم از خونته بیرون پیام کمی قدم بزنم هنوز صد متری راه نرفته بودم دیدم دیگر تیغ نمیسره زانوام گیر نداره مجبور شدم روی سکوی دریک خونه نشستم همینطور در حالت تفکر مردم راتماشا میگردم که دو تا پسر بچه یکی بسن ۱۲ و دیگری ۱۳ ساله جلومن ایستاده با نهایت ادب سلام و احوال پرسی کردند. هرچه آنها را نگاه کردم دیدم من آنها را نمیشناسم اما آنها مثل اینکه مرا خوب میشناسند. پرسیدم شماها کیستید و با من چکار دارید

یکی از آنها گفت، قربان من، داود و رفیقم امیر نام دارد هر دو عضو هیئت تئاترال می باشیم چون در نظر داریم یکماه دیگر نمایش بدیم خواهش مندیم بلیط بخرید.

گفتم عزیزانم من اون روزا که جزون هم بودم حوصله تیاتر رفتن نداشتم تاچه برسد حالا دیگه

- خیر این نمایش فوق العاده دیدنی است و حتماً باید تشریف بیاورید.

- فرض اینکه دیدنی باشد من از کجا میدونم تا یکماه دیگر چه پیش آمدی میکنه که از حالا بلیط بخرم شاید آتشکار داشتم

- آقا این نمایش واقعا تماشایی است و برای تهیه آن خیلی زحمت کشیده شده بلیط بخرید اگر وقت نداشتید تشریف بیاورید

- عجب! این چه نمایش تماشایی است که شماها میخواهید بزور بلیطشو بفروشید. در صورتی که میگن برای خریدن بلیط نمایش ها که دیدنی هم نیستن مردم دم بلیط خونه سرودست میشکنن

یکمرتبه آن کوچکتز که تا این ساعت حرفی نمیزد مثل انار ترکید و بنای پر خاش را گذاشت.

- آره همین شماها بولد اراهستید که ملت را بیچاره کردید خودتون که بیکدم برای خیر و صلاح جامعه برنیدارید ما هم هر وقت بفکر خدمت با اجتماع می افتمم جلو اقدامات مارا میگیرید عوض اینکه تشویق کنید مرتب آیه باس میخوانید.

- عزیزم عجله نکن آهسته حرف بزنی تا مقصودت را بفهمم تیاتر در آوردن چه ربطی با خدمت اجتماع داره.

- به ما مشغولون که نمایش دادن نیست ما محصل کلاس پنجم ابتدائی هستیم بنفع خودمون که نمایش نمیدیم از عایدات آن میخواهیم یک کارخانه پارچه بافی برای ملت بخریم تا کلیه بیکاره هارا که استطاعت کار دارن بکار بگماریم و از عایدات آن به کسانی که قادر بکار کردن نیستند کمک کنیم.

- به به فکر شمارا تقدیس میکنم. اما عزیزانم درست دقت کنید نقشه شماها بسیار بچه گانه است و با وسائلی که اکنون در دست دارید ابدأ عملی نمیشود - درست است که هر کسی باید بیک مقدار از وقت خود را صرف خدمت با اجتماع بشاید لیکن اول بایستی دین خود را با اجتماع ادا کند بعداً کمرب خدمت ببندد اگر کسی وظیفه خویش را رها نمود بفکر خدمت بیافتد خیانتکار محسوب میشود

پدري که قادر نیست وسائل معاش خانواده و تربیت اطفال خود را فراهم نماید و بفکر اصلاح امور اجتماعی می افتد. معلمی که در کلاس حاضر نمیشود و شاگردان را بحال خویش میگذارد و وقت خود را صرف جمع نمودن اعانه برای فقرا میکند.

طیبی که از معالجه بیماران خود عاجز است و در ساعات فراغت بجای مطالعات علمی و پیدا کردن راه بهتری برای مداوای بیماران خویش بفکر بهبود وضع اجتماع می افتد. اینهارا نمیتوان خادمین اجتماع نامید. من تصدیق میکنم اعمال کاری و

و درباره فلسفه های او نوشته شده است > نمیتوان تشخیص داد که آیا فیلون است که مینویسد یا افلاطون است که صحبت می نماید > مهم ترین موضوعی که جلب توجه دنیار ا نوده و دنیار ا بحیرت انداخته است آنکه باینکه فیلون ۵۴ سال بعد از تولد عیسی میزیسته و ناظر کلیه عملیات اسرائیل ها و بکالوت رفتن اسرائیل بوده و کتب عده ای راجع بتاریخ اسرائیل و فلسفه زوال دولت اسرائیل نوشته است هیچگونه ذکری در کتب خود از وجود عیسی یا بود و نبود یا عملیات او در کتب خود ننموده است شرح حال عملیات ۵۰ ساله و نفوذ فیلون در عالم اسرائیل و کتبی که نوشته و خدماتی که بمال یهود نموده است جدا گانه تحت عنوان > بزرگان یهود را بشناسید > تشریح خواهد شد.

بهر جهت فیلون با قلبی پراز حسرت و با اینکه از خود کتب و یاد کاری گرانبهای بیادگار گذارده در سن ۸۳ سالگی دارفانی را وداع گفت. در موقع مردن گفت:

«حیف که فیلون ۴۰۰ سال قبل بدنیایمانم تا نگذارد اساس سلطنت یهود متزلزل گردد.»

بی حسی افرادی از جامعه که میتوانند خدمات شایسته ای بنمایند و نکرده اند این هرج و مرج راراه انداخته و شماها را وادار کرده درس خود را همانموده دنبال این کارها بیافند لیکن فراموش نکنید، وظیفه شماها کوشش در راه تحصیل علم است و اگر وقت بیشتری دارید سعی کنید شاگرد اول باشید تا این وسیله باعث افتخار ملت خود گردید.

عمل شماها درست مثل میوه ایست که نارس چیده شود چنین میوه ای نه فقط قابل استفاده نیست بلکه از حیث وزن هم نا چیز است لیکن با اندکی صبر و تربیت صحیح از همان میوه نارس میتوان استفاده شایان نمود.

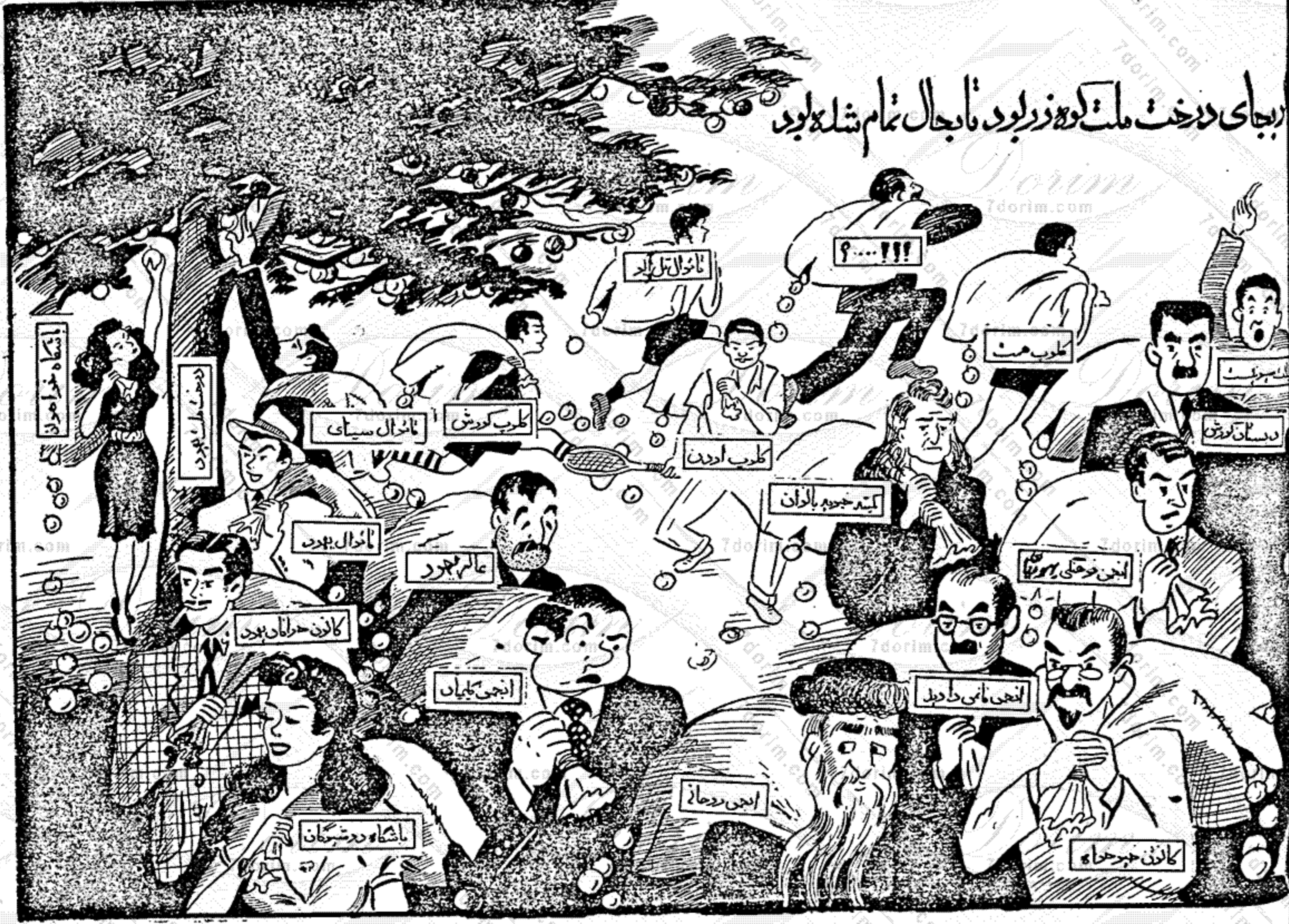
فریاد دلخراش روزنامه فروش چنان در گوشم صدا کرد که از خواب پریدم. ساعت نگاه کردم تقریباً دو ساعت از شب میگذشت فوراً از جابر خواسته بطرف منزل روان گردیدم. در حالی که با خود میگویم هیچوقت نباید کنار کوچه بنشینم مبادا خواب مرا فرا گیرد و رفتن منزل دیر شود. قربان شما فضول باشی

سه شنبه ۲۷ ایار
۵۷۰۶
بهاه ریال
قسمت
۳۷

عالم جدید

نشانی دفتر
تهران
خیابان سپه مقابل پستخانه
عنوان تلگرافی
«هاعولام»

جنگ با دشمنان



این کاریکاتور یکی از پاسخهای رسیده کاریکاتور قسمت ۳۲ میباشد.

رجوع شود بصفحه بعد